

مازندران

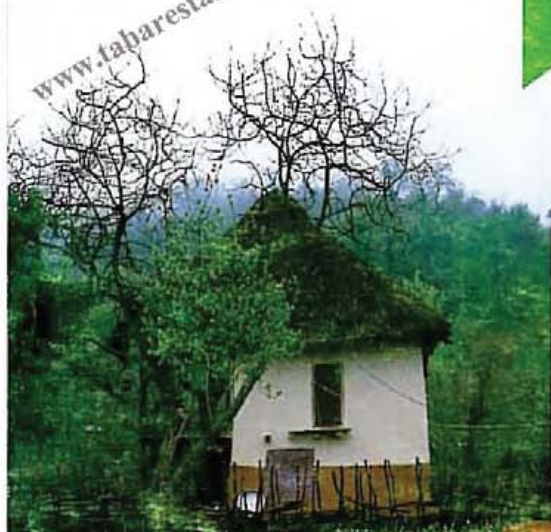
وحید ریاحی

از ایران چه می دانم؟ ۱۶/۹

چاپ دوم

تبرستان

www.tabarestan.info



دفتر پژوهشهای فرهنگی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



از ایران چه می‌دانم؟ / ۱۶

تبرستان
مازندران

www.tabarrestan.info

چاپ دوم



تبرستان

www.tabarestan.info

از ایران چه می‌دانم؟ / ۱۶

تبرستان
مازندران
www.tabarestan.info

وحید ریاحی



دفتر پژوهش‌های فرهنگی



دفتر پژوهشهای فرهنگی

تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، نش كوچه یگانه، شماره ۲۱۵؛ کدپستی: ۱۵۸۴۷۳۶۹۱۳
 تلفن: ۸۸۲۱۳۶۴ ، ۸۳۰۲۴۸۲ ؛ دورنگار: ۸۳۰۲۴۸۵ ؛ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۴۶۹۱
 پست الکترونیکی: crb@kanoon.net نشانی وب اینترنت: www.iranculturestudies.com
 مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، پخش خیابان شهید وحید نظری، شماره ۳۸
 تلفن و دورنگار: ۶۴۱۷۵۳۲ تلفن واحد بازاریابی ۸۳۱۵۲۴

* **مازندران - از ایران چه می دانم؟ / ۱۶**

- * مؤلف: وحید ریاحی
 - * ویراستار: کاظم سادات اشکوری
 - * نمونه خوان: صدیقه یکانکی
 - * طرح جلد: ماکت آیدین آغداشلو، طرح و اجرا کورش صفی نیا
 - * عکس روی جلد: بهمن جلالی / تصویر مرد مازندرانی از محمود شهرابی
 - * حروفنگار و صفحه آرا: مهرداد قربانی
 - * لیتوگرافی: تندیس * چاپ: نیل * شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
 - * چاپ اول: ۱۳۸۰؛ چاپ دوم ۱۳۸۱
- همه حقوق محفوظ است. هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی دفتر پژوهشهای فرهنگی ممنوع است.

ISBN: 964-5799-33-3

شابک: ۹۶۴-۵۷۹۹-۳۳-۳

<p>ریاحی، وحید، ۱۳۵۲ - مازندران / وحید ریاحی . - تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۰. ۹۶ ص. : مصور، جدول . - (از ایران چه می دانم؛ ۱۶) ISBN 964-5799-33-3</p> <p>فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا. ۱. مازندران، الف. دفتر پژوهشهای فرهنگی. ب. عنوان. چاپ دوم: ۱۳۸۱ ۹ ر ۳۳ الف / DSR ۲۰۵۳ / ۹۵۵/۲۲ کتابخانه ملی ایران ۸۰ - ۱۰۹۵۹</p>
--



با توجه به تحولات نوین فرهنگی در جامعه امروز، نیاز ایرانیان، به ویژه جوانان، تیزبین و پرسشگر، به بررسی‌های جدید علمی و برابر درباره تاریخ پرفراز و نشیب ایران زمین و دیانت و فرهنگ و تمدن آن، بیش از گذشته، نمودار شده است. از این رو، دفتر پژوهشهای فرهنگی با شناخت این امر و در جهت گسترش دیدگاه‌های همه‌جانبه و عمیق فرهنگی، تلاش جدیدی را آغاز کرده و بر آن است تا با انتشار مجموعه "از ایران چه می‌دانم؟" آگاهی‌های مهم، دقیق و سودمندی را در حوزه‌های گوناگون "ایران پژوهی" در دسترس همه ایران‌دوستان و جوانان علاقه‌مند کشورمان قرار دهد.

امید است که این دفتر بتواند با ارائه این نوع پژوهش‌ها، ضمن ایجاد پیوندی ناگسستنی میان فرهنگ امروز و دیروز و دوری از هرگونه ذهنیت و جانبداری‌های یک‌سویه و غیر علمی، زمینه تبادل نظر و اندیشه را میان همه دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان این عرصه فراهم سازد و در شکوفایی حرکت‌های نوین فرهنگی و اندیشه‌پرور و ایجاد آینده‌ای بهتر برای این سرزمین، نقشی شایسته و مفید ایفا کند.

دفتر پژوهشهای فرهنگی

محمدحسن خوشنویس

تبرستان
www.tabarrestan.info

فهرست مطالب

۹	پیش‌سخن
	فصل اول. جغرافیای طبیعی
۱۱	۱. پستی و بلندی؛ ناهمواری‌ها
۱۳	۲. زلزله‌خیزی و غارها
۱۴	۳. رودها و آب‌های زیرزمینی
۱۶	۴. آب و هوا
۱۸	۵. پوشش گیاهی و جانوران
	فصل دوم. جغرافیای انسانی
۲۳	۱. جمعیت و ویژگی‌های آن
۲۶	۲. ویژگی‌های اقتصادی
۲۹	۳. راه‌های ارتباطی
۳۳	۴. تقسیمات کشوری
۳۴	۵. اوضاع سکونت؛ زبان و مذهب
۳۷	فصل سوم. طبرستان از کهن‌ترین روزگاران تا حمله مغول
۳۷	۱. وجه تسمیه
۳۹	۲. طبرستان پیش از اسلام
۴۰	۳. طبرستان در قرن‌های نخستین اسلامی
	۴. اوضاع طبرستان در کتاب‌های جغرافیانویسان
۴۳	قرن‌های سوم و چهارم

- ۴۶ ۵. اوضاع طبرستان از قرن پنجم تا حمله مغول
- ۵۵ ۶. بررسی‌های سکه‌شناسی

فصل چهارم- از حمله مغول تا آغاز دوره قاجاریه

- ۶۰ ۱. نهضت سیدقوام‌الدین مرعشی
- ۶۴ ۲. اوضاع مازندران در دوره‌های صفویه و زندیه

فصل پنجم، مازندران از دوره قاجاریه تا امروز

- ۶۸ ۱. مازندران در دوره قاجاریه
- ۷۲ ۲. مازندران در دوره پهلوی
- ۷۳ ۳. مازندران پس از انقلاب اسلامی

فصل ششم، اوضاع فرهنگی مازندران

- ۷۴ ۱. مشاهیر و بزرگان
- ۷۷ ۲. مکان‌های باستانی و تاریخی؛ جنبه‌های جهانگردی
- ۸۲ ۳. موقعیت کنونی فرهنگ و شاخص‌های فرهنگی

۸۵

سخن پایانی

۸۷

پی‌نوشت

پیش سخن

استان مازندران، که در گذشته طبرستان نامیده می‌شد، قسمتی از سرزمین کهن ایرانیان است که بر طبق شواهد و یافته‌های باستان‌شناسان، یکی از قدیم‌ترین سکونت‌گاه‌های بشری به‌شمار می‌رود. این منطقه با داشتن توانمندی‌های مناسب طبیعی و زیستی، از دیرباز مورد توجه فرمانروایان و حاکمان بوده و به‌همین دلیل رقابت‌های بسیاری برای به‌دست آوردن آن، در دوره‌های مختلف، صورت گرفته چرا که در دوره‌های قبل از اسلام، دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است.

پس از گسترش اسلام به سمت سرزمین‌های شرقی، به دلیل شرایط سخت طبیعی و وجود کوه‌ها و ارتفاعات (به‌مثابه پناهگاه امن) مدت‌ها طول کشید تا این خطه فتح شود و از سرزمین‌های اسلامی به‌شمار آید. در قرن‌های آغازین اسلامی اهالی این منطقه با مسلمانان می‌جنگیدند و تسلیم نمی‌شدند. بعدها که طبرستان به دست مسلمانان فتح شد، قیام‌ها و انقلاب‌های درونی، تحولات مهم و شگرفی را سبب شد که پیدایش مذهب زیدیه در منطقه از آن جمله است. در قرن‌های نخستین اسلامی، علاوه بر جغرافی‌دانان مسلمان نظیر ابن‌خردادبه، ابن‌فقیه، ابن‌حوقل که به اوضاع جغرافیایی طبرستان و کیفیت محیط طبیعی و شرایط اقتصادی آن پرداخته‌اند، تاریخ‌نگاران برجسته‌ای مانند بلاذری، طبری و ابن‌اثیر نیز درباره تحولات درونی طبرستان و کیفیت فتح این سرزمین به دست مسلمانان، سخن گفته‌اند. با این همه، نخستین بررسی علمی و جامع تاریخی این سرزمین را می‌توان در کتاب ارزشمند تاریخ طبرستان اثر

ابن اسفندیار (تألیف سال ۶۱۳ ق) جست و جو کرد. در کتاب او، علاوه بر مسائل تاریخی، مطالبی از اوضاع جغرافیایی و اقتصادی نیز می توان یافت. پس از او، می بایست از سیدظهیرالدین مرعشی یاد کرد که کتابش به نام تاریخ طبرستان و رویان و مازندران را در قرن نهم قمری نگاشته است. از بررسی های علمی معاصران می توان به کتاب های تاریخ تبرستان اثر اردشیر بزرگ، مازندران اثر عباس شایان و تاریخ مازندران اثر اسماعیل مهجوری اشاره کرد.

در این کتاب، بررسی و مطالعه علمی استان مازندران از جنبه های جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی - فرهنگی مد نظر بوده است. در قسمت جغرافیایی بخش های عمده جغرافیای طبیعی مانند موقعیت و اوضاع طبیعی، ناهمواری ها، اقلیم، پوشش گیاهی و جانوران و جغرافیای انسانی مانند جمعیت و چندوچونی آن، ویژگی های اقتصادی، راه های ارتباطی، تقسیمات کشوری و زبان و مذهب بررسی شده است. در قسمت تاریخی نخست وجه تسمیه و اوضاع منطقه در دوره پیش از اسلام و کیفیت به دست مسلمانان رسیدن آن و سپس اوضاع طبرستان در قرن های نخستین اسلامی، حمله مغول و چگونگی آن، اوضاع مازندران پس از حمله مغول و سرانجام در دوره های صفویه، قاجاریه و پهلوی بررسی و تحلیل شده است. در ادامه فصل مستقلی نیز به تحولات جغرافیایی - اقتصادی مازندران از انقلاب اسلامی تا کنون و نیز به اوضاع فرهنگی استان، معرفی مشاهیر و بزرگان، بناها و مکان های قدیمی و به موقعیت کنونی شاخص های فرهنگی اختصاص یافته است.

این بررسی هرچند کوتاه و مختصر، اما بر پایه اطلاعات و داده های علمی، منابع مستند جغرافیایی و مآخذ دست اول تاریخی است. امید آن که خوانندگان تیزبین به ویژه جوانان را برای شناخت استان مازندران و متون و منابع اصلی رهنمون سازد.

فصل اول

جغرافیای طبیعی

تبرستان

www.tabarestan.info

استان سرسبز و حاصلخیز مازندران، در شمال ایران، بین 47° و 35° تا 35° و 36° عرض شمالی و 34° و 50° تا 10° و 54° طول شرقی قرار دارد. وسعت آن حدود $24,091/3$ کیلومتر مربع است، یعنی تقریباً $1/46$ درصد از مساحت کشور.^(۱) این استان از شمال به دریای مازندران (خزر)، از مشرق به استان گلستان، از جنوب به استان‌های سمنان، تهران و قزوین و از مغرب به استان گیلان محدود می‌شود. طبق فهرست تقسیمات کشوری سال 1378 خورشیدی دارای 15 شهرستان، 38 بخش، 104 دهستان، 36 شهر و برپایه برآورد سال 1376 خورشیدی، دارای $3,549$ آبادی است. مرکز آن شهر ساری است که در فاصله 250 کیلومتری شمال شرقی تهران قرار دارد.^(۲)

۱. پستی و بلندی، ناهمواری‌ها این استان از لحاظ طبیعی به سه قسمت اصلی کوهستانی در جنوب، میان‌بند در وسط و جلگه‌ای در شمال تقسیم می‌شود. ناحیه کوهستانی - متشکل از رشته کوه البرز - در جنوب است که تقریباً موازی با کرانه‌های جنوبی دریای خزر، مازندران را از جنوب البرز جدا می‌سازد. قسمت‌هایی از این ناحیه با ارتفاعی بیش از سه هزار متر، معمولاً

نیمی از سال پوشیده از برف است. رشته کوه البرز، نتیجه کوهزایی دوران سوم زمین‌شناسی (کوهزایی آلپی) است و فرسایش اواخر این دوران و دوران چهارم زمین‌شناسی، عوارض گسترده‌ای در آنجا به وجود آورده است. این رشته کوه در استان مازندران به‌طور متوسط هفتاد کیلومتر عرض دارد و متشکل از رشته‌های کوچکی از جمله مزارچوب، نور، بندی، سوادکوه، دوخوشه، هزارجریب و شاه کوه است.^(۳) کوه‌های معروف تخت سلیمان (مرتفع‌ترین قلّه آن علم کوه با ۴,۸۵۰ متر) در مغرب استان (جنوب شهرستان تنکابن) قرار دارد و مشخصه بارز آن، وجود یخچال‌های وسیع طبیعی است. از قلّه‌های دیگر آنجا تخت سلیمان (مرتفع‌ترین قلّه ۴,۶۴۳ متر) و میان‌سه‌چال است. در قسمت مرکزی البرز (میان دره‌های چالوس و رود بابل) وسیع‌ترین رشته کوه مازندران قرار دارد. قسمت شرقی نیز مشتمل بر رشته‌های کوچک واریان (در جنوب نکا)، سفیدکوه، هزارجریب و جهان‌مورا است. بعضی از مهم‌ترین کوه‌های البرز علاوه بر قلّه معروف دماوند با ارتفاع ۵۶۷۱ متر در جنوب شهرستان آمل، در این سه قسمت عبارت‌اند از: کائون (مرتفع‌ترین قلّه ۴,۰۵۰ متر) در حدود ۵۷ کیلومتری جنوب غربی شهر آمل، پیت‌غار (مرتفع‌ترین قلّه ۴,۰۰۰ متر) در حدود ۳۸ کیلومتری جنوب غربی شهر تنکابن، سفیدکوه (مرتفع‌ترین قلّه ۳,۳۶۰ متر) در حدود ۷۸ کیلومتری جنوب شرقی شهر ساری، فولادچشمه (مرتفع‌ترین قلّه ۳,۶۱۵ متر) در ۷۲ کیلومتری جنوب آمل، اسب‌چَر (مرتفع‌ترین قلّه ۳,۳۵۰ متر) در حدود ۴۰ کیلومتری جنوب غربی تنکابن، ده‌پُشت (مرتفع‌ترین قلّه ۳,۵۵۰ متر) در حدود ۶۳ کیلومتری جنوب غربی بابل؛ دُم‌کَش (مرتفع‌ترین قلّه ۳,۱۵۰ متر) در حدود ۶۱ کیلومتری جنوب غربی بابل.^(۴)

ناحیه میان‌بند در ارتفاع میان ۱۰۰-۳۰۰۰ متر، دارای جنگل‌ها و مراتع غنی است و سکّنه آن عمدتاً به دامداری و تولید غلات اشتغال دارند. این ناحیه، بیلاق ساکنان نواحی جلگه‌ای مازندران به‌شمار می‌رود. ناحیه جلگه‌ای نیز با

حداکثر ارتفاع صدمتر، شامل سرزمین‌های تقریباً مسطحی است که بیشترین شهرها و آبادی‌های استان را در خود جای داده است. طول (غربی - شرقی) این ناحیه حدود ۳۲۰ کیلومتر و عرض آن از دو کیلومتر در مغرب (رامسر) تا حدود ۴۰ کیلومتر (در قائم‌شهر) متغیر است.^(۵)

در طول کرانه دریای خزر نیز نوار باریک ماسه‌ای (عمدتاً فاقد گیاه) وجود دارد که با شیب ملایمی به دریا ختم گردیده و تنها در مصب رودها بریده می‌شود. از مهم‌ترین عوارض طبیعی مازندران، شبه‌جزیره میانکاله است که در مشرق استان، بین خلیج گرگان و دریای خزر قرار گرفته است. این شبه‌جزیره حدود شصت کیلومتر درازا و به‌طور متوسط سه الی چهار کیلومتر پهنا دارد و به دلیل پایین رفتن آب دریا، گاهی به جزیره معروف آشوراده متصل می‌شود. در گذشته، به‌ویژه در دوره صفویه، شکارگاه سلطنتی بود. آثار دو قلعه نظامی (مربوط به زمان ناصرالدین شاه قاجار) در آن دیده می‌شود.^(۶) و شهر اشرف (بهشهر کنونی) در مقابل آن واقع شده است.^(۷)

از معادن مازندران می‌توان به زغال‌سنگ، سنگ آهک، سرب، روی، گچ، مرمریت و فلورین اشاره کرد. طبق گزارشی در سال ۱۳۷۶ خورشیدی، از ۲۴ معدن زغال‌سنگ و ۳۷ معدن سنگ آهک در مازندران بهره‌برداری می‌شود.^(۸)

۲. زلزله‌خیزی و غارها مازندران منطقه‌ای زلزله‌خیز است و گزارش‌ها

حاکمی از آن است که زلزله در صدها سال پیش آبادی‌های بسیاری را در این منطقه ویران کرده است. در قرن‌های ششم و هشتم قمری، زلزله سختی منطقه فریم (از توابع ساری) را لرزاند. در ۸۵۰ قمری زمین‌لرزه‌ای در منطقه تنکابین فعلی بسیاری از قلعه‌ها و استحکامات، مسجد، حمام و زیارتگاه‌ها را ویران کرد. بعضی از مهم‌ترین زلزله‌های دیگر مازندران عبارت‌اند از: زمین‌لرزه سال

۱۰۹۸ قمری؛ زلزله سال ۱۲۲۰ قمری در بارفروش که مسجد جامع شهر را ویران کرد، زلزله ویرانگر در آمل و شیرگاه در سال ۱۲۲۴ قمری که در اثر آن پل بارفروش، مساجد، سقف گنبد شمس طبرسی و بناهای صفی آباد در بهشهر آسیب دید؛ زلزله سال ۱۳۰۴ خورشیدی در منطقه هراز که موجب ویرانی تمامی پل‌ها (و تونل‌ها) در جاده هراز شد؛ زلزله سال ۱۳۱۴ خورشیدی در محدوده رود تالار؛ زلزله ویرانگر سال ۱۳۳۶ خورشیدی که به حدود ۱۲۰ روستا در منطقه بندپی آسیب کلی رساند. (۹)

غارهای هُوتُو و کَمَرَبَند، نزدیک آبادی تروجن یا شهیدآباد، در دو کیلومتری مغرب شهر بهشهر، و نیز غار علی تپه، کنار آبادی التپه یا علی تپه در یک کیلومتری مشرق شهر بهشهر، از معروف‌ترین غارهای مازندران است. در بررسی‌های استادان دانشگاه ویلادلفیای آمریکا، در سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۵۱ میلادی، در این غارها، آثاری از استخوان و جمجمه انسان‌های عصر میانه‌سنگی و نوسنگی کشف شد که نشان‌دهنده اهمیت آن‌جا به‌مثابه منطقه مهم زیستی، پس از دوره یخبندان و مبین زندگی بشر در حدود ۷۵ هزار سال قبل از میلاد در این منطقه است. (۱۰)

۳. رودها و آب‌های زیرزمینی در استان مازندران رودهای زیادی

(عمدتاً با جهت شمالی-جنوبی و نسبتاً کوتاه) جریان دارد، که بیشتر آنها دایمی‌اند. سرچشمه همه رودهای مازندران رشته‌کوه البرز است. رودهای مازندران جزو حوضه آبریز خزر هستند و همه آنها به دریای خزر می‌ریزند. (۱۱) به دلیل نزدیک‌تربودن خط‌الرأس به دریا، طول رودها در مغرب استان کمتر است؛ اما میزان آبدهی رودهای غربی بیشتر از رودهای شرقی است. رودهای مهم استان هراز، تجن، چالوس، تالار، بابل یا بابل‌رود و نکا است. رود دایمی و پرآب هراز (به طول حدود ۱۵۰ کیلومتر) از دامنه‌های

شمالی کوه‌های لار و لواسانات سرچشمه می‌گیرد و در دره‌های تنگ و عمیق البرز جریان می‌یابد. تا آبادی پلور رود لار نامیده می‌شود و رود نور از سرشاخه‌های پرآب آن است. این رود از میان شهر آمل می‌گذرد و از آب آن برای آبیاری کشتزارها استفاده می‌شود.^(۱۲) در این رود ماهی قزل‌آلا زیاد است و در سال‌های اخیر واحدهای پرورش ماهی زیادی در کرانه‌های آن احداث شده است. رود هراز پس از عبور از شهر آمل به شعبه‌های متعددی تقسیم می‌شود و مصب یکی از شاخه‌های آن مشرق شهر محمودآباد است.

رود تجن (به طول حدود ۱۲۰ کیلومتر) از حوالی آبادی رودبار در منطقه کوهستانی هزارجریب سرچشمه می‌گیرد و با عبور از شرقی شهر ساری در خزرشهر (فرح‌آباد) به دریای خزر می‌ریزد. زارم‌رود (ظالم‌رود) به طول حدود صدکیلومتر و جهت شرقی-غربی، از ریزابه‌های مهم آن است. رود تجن به دلیل این‌که زیستگاه ماهیان خاویاری است دارای اهمیت فراوان است.

رود چالوس (به طول حدود ۸۰ کیلومتر) از به هم پیوستن دو رود زانوس و کندوان تشکیل می‌شود و مصب آن در مغرب شهر چالوس است.^(۱۳)

رود تالار (به طول حدود ۱۵۰ کیلومتر) از کوه‌های سوادکوه سرچشمه می‌گیرد و از شهرهای پل سفید و قائم‌شهر می‌گذرد.

رود بابل (به طول حدود ۷۸ کیلومتر) از کوه‌های منطقه بندپی و سوادکوه سرچشمه می‌گیرد و با گذشتن از شهر بابل، در شهر بابل‌سر به دریای خزر می‌ریزد.

رود نکا (به طول حدود ۱۸۰ کیلومتر) نیز از کوه‌های هزارجریب و شاه‌کوه سرچشمه می‌گیرد و از میان شهر نکا می‌گذرد.^(۱۴)

از دیگر رودهای مازندران صفارود، چالک‌رود، ترک‌رود، نمک‌آبرود، کاظم‌رود، شیروود، نشتارود و سه‌هزار (سرچشمه از کوه‌های تخت‌سلیمان) در مغرب استان، تمیشان، نور، سردآب رود، کجور، کجورود، سجاس‌رود، که

نزدیک پل محمدحسن خان به رود بابل می پیوندند، و سیاهرود (در شهرستان های قائم شهر و جویبار)، در قسمت میانی مازندران، را می توان نام برد. (۱۵)

از رودهای مازندران برای تأمین آب آشامیدنی و برای مصارف کشاورزی استفاده می شود. هم چنین در این رودها، ماهی قزل آلا، آزاد، کپور، سفید، کفال و ماهیان خاویاری فراوان است. برای استفاده بیشتر از آب رودها، چند سد مخزنی در این استان احداث شده است که مشخصات آنها در جدول زیر می آید. (۱۶)

جدول شماره ۱. مشخصات سدهای استان مازندران

نام سد	نام رود	محل سد	نوع سد	نزدیک ترین شهر	گنجایش کل مخزن (میلیون مترمکعب)	سطح زیر کشت (هکتار)
شهید رجایی	تجن	سلیمان تنگه	بتونی قوسی	ساری	۱۹۱	۵۲۰۰۰
برجستانک	آب تیجون	قائم شهر	خاکی	قائم شهر	۲/۲	۱۲۲۰
صلاح الدین کلا	کچور	نوشهر	خاکی	نوشهر	۲/۱	۶۰۰
سنبل رود	سنبل رود	سیدکلا	خاکی	بابل	۱/۲	۷۰۰
الیمالات	شامیرود	نور	خاکی	نور	۱	۱۰۰۰

استان مازندران علاوه بر آب های سطحی، دارای منابع سرشار آب زیرزمینی است که عمدتاً به دو صورت چشمه و چاه های عمیق و نیمه عمیق از آنها استفاده می شود. در سال های اخیر، بهره برداری از چاه های حفر شده سبب پایین رفتن آب های زیرزمینی استان شده است.

چشمه معدنی قُرمَرَض (در جنوب نکا) و چشمه هفت خال (در آمل) از معروف ترین چشمه های استان به شمار می روند.

۴. آب وهوا آب وهوای مازندران معتدل و مرطوب (معروف به معتدل

خزری) است. امتداد کوه‌های البرز در جنوب، نزدیکی به دریا و پوشش گیاهی از دلایل اصلی تعدیل آب‌وهوای این منطقه است. میزان بارش و رطوبت در مغرب استان بیشتر از مشرق است. میانگین دمای سالانه استان به ۱۴ درجه (بین ۱۲-۱۵/۷ درجه) و میانگین حداکثر دما در تابستان به ۳۵ [تا ۴۰] درجه می‌رسد. در ۱۳۷۵ خورشیدی، میانگین دمای استان ۱۵/۷ درجه و میانگین بارش سالانه ۸۱۵ (۱۲۰۰-۱۳۰۰ میلی‌متر در نواحی جلگه‌ای) میلی‌متر بوده است. میزان رطوبت استان زیاد است. به طوری که در زمستان به ۸۵ درصد، بهار ۷۹ درصد، تابستان ۷۶ و پاییز به ۸۵ درصد می‌رسد.

در نواحی کوهستانی مغرب استان آب‌وهوای سرد و مرطوب و در نواحی جلگه‌ای آب‌وهوای معتدل و مرطوب، در نواحی کوهستانی مشرق مازندران آب‌وهوای سرد و نیمه‌مرطوب و در نواحی جلگه‌ای آب‌وهوای معتدل و نیمه‌مرطوب غلبه دارد. برای آگاهی بیشتر، خلاصه‌ی اوضاع جوی ایستگاه‌های سینوپتیک استان در سال ۱۳۷۶ خورشیدی در جدول زیر می‌آید.

جدول شماره ۲. خلاصه‌ی اوضاع جوی ایستگاه‌های سینوپتیک استان

نام ایستگاه (شهر)	دما (سانتی‌گراد)			میزان بارش (میلی‌متر)		شمار روز (در سال)
	حداکثر	حداقل	میانگین سالانه	سال ۱۳۷۶	حداکثر در ۱ روز	
رامسر	۳۲/۴	-۱/۸	۱۶/۴	۱۰۶۰/۰	۱۸۹/۳	۶
بابلسر	۳۳/۴	۰	۱۷/۶	۱۱۵۷/۱	۳۰۸/۴	۲
قراخیل (قائم‌شهر)	۳۵/۰	-۲/۲	۱۷/۱	۸۹۹/۴	۱۴۳/۵	۱۴
نوشهر	۳۲/۰	۰	۱۶/۴	۱۵۴۳/۷	۳۱۸/۴	۵

در مازندران بادهای مختلفی می‌وزد که دو جریان هوای شمال و شمال شرقی (از سیبری) و جریان هوای غربی تأثیر بیشتری دارند. اولی در زمستان

سرما و بارش فراوان را با خود می‌آورد و دومی در تابستان در افزایش رطوبت هوا مؤثر است. بادهای معروف محلی استان باد سورتوک (sortok)، گیل‌وا، باد سام و باد دره‌ای است.

۵. پوشش گیاهی و جانوران پوشش گیاهی این استان شامل درختان جنگلی، درختچه‌ها، بوته‌ها، مراتع چرای دام و گیاهان خودرو است، که تقریباً در همه قسمت‌های استان می‌روید. جنگل‌های وسیع و متراکم مازندران یکی از انبوه‌ترین و باارزش‌ترین جنگل‌های ایران است. مساحت این جنگل‌ها حدود یک میلیون هکتار برآورد شده است و از جلگه به سمت ارتفاعات، انبوه‌تر می‌شود. (۱۷) مرز، مازو، آزاد، توسکا (عمدتاً در کنار دره‌ها)، افرا، نمدار، شمشاد، نارون، شاه‌بلوط، راش و انجیلی از گونه‌های اصلی درختان جنگلی استان است. علاوه بر آن می‌توان به درختان خودرو گردو، انار، ازگیل و بوته تمشک در جنگل‌ها اشاره کرد، که فراوان است. در سال‌های اخیر طرح‌های متعدد حفاظت جنگل و جنگل‌کاری (با قطع درختان نیمه‌مرغوب جنگلی و کاشت درختان صنعتی، به‌ویژه کاج)، در ارتفاعات میان‌بند استان، به اجرا درآمد. از رستنی‌های دیگر مازندران، که عمده‌تاً در نواحی جلگه‌ای می‌رویند و کاربرد مصرفی و دارویی دارند، می‌توان به گل‌گاوزبان، گل‌پونه، گل‌ختمی، گل‌بنفشه (عمده‌تاً در شهرستان‌های بابل و ساری) گون، خاکشیر، کاسنی، بارهنگ (تقریباً در بیشتر استان) و اسپند، اشکنه، اناریجه، اوجی، پرسیاوشان، شاطره، زلنگ و گزنه اشاره کرد. (۱۸)

جنس خاک بیشتر مناطق مازندران «خاک سیاه رسی و شنی» است. در قسمت کوهستانی، خاک‌های قهوه‌ای جنگلی، در نواحی جلگه‌ای خاک‌های رسی و در کنار خاک‌های ماسه‌ای غلبه دارد. از جانوران خوک وحشی، پلنگ، ببر، گربه وحشی، شغال، گرگ، خرس، خرگوش، آهو، بز کوهی، روباه؛ از پرندگان

جدول شماره ۳. مشخصات پارک‌های جنگلی استان مازندران، ۱۳۷۶ ش

نام پارک	محل پارک	سال احداث	مساحت پارک (هکتار)
پارک جنگلی شهید زارع	ساری	۱۳۵۸	۷۰
پارک جنگلی سعیدی آشتیانی	نور	۱۳۵۱	۴۰۰۰
پارک جنگلی میرزا کوچک خان	آمل	۱۳۴۳	۲۵۰
پارک جنگلی امامزاده عبدالله	آمل	۱۳۷۵	۲۴۵
پارک جنگلی تالار	قائم‌شهر	۱۳۷۱	۱۶۰
پارک جنگلی سی سنگان	صلاح‌الدین کلا نوشهر	۱۳۴۴	۶۴۵
پارک جنگلی چالوس	چالوس	۱۳۴۸	۵
پارک جنگلی سی سرا	سلمان‌شهر	۱۳۴۷	۱/۵
پارک جنگلی عباس آباد	بهشهر	۱۳۷۴	۱۲/۵

جدول شماره ۴. مساحت جنگل‌کاری، نهالستان و طرح‌های جنگلداری در استان‌های مازندران و گلستان، ۷۶-۱۳۷۲ ش

سال	مساحت جنگل‌کاری‌ها (هکتار)	طرح جنگلداری	
		تعداد	مساحت (هکتار)
۱۳۷۲	۱۱۱۱۳	۲۹	۳۹۸۵۱۸
۱۳۷۳	۶۰۱۴	۳۳	۴۱۷۲۰۸
۱۳۷۴	۵۴۸۴	۲۸	۳۸۸۴۰۵
۱۳۷۵	۵۹۵۵	۷۷	۶۱۹۴۷۱
۱۳۷۶	۲۸۰۱	۳۲۰	۴۸۸۹۰۵

قراول، شاهین، اردک، قو، کبک، تیهو، قمری، جغد، قوش، کرکس، حواصیل و کلاغ و از خزندگان انواع مار و لاک‌پشت در آن یافت می‌شود. در کناره‌های ساحلی نیز (به‌ویژه در شبه‌جزیره میانکاله) انواع پرندگان مهاجر از جمله اردک، غاز، پلیکان و چنگر در فصول سرد سال دیده می‌شوند. در آبگیرها و رودهای

استان انواع ماهی فراوان است.^(۱۹) برای آگاهی بیشتر، مشخصات مناطق حفاظت شده و تعداد آب بندهای استان، و خصوصیات هر یک در جدول های زیر می آید.

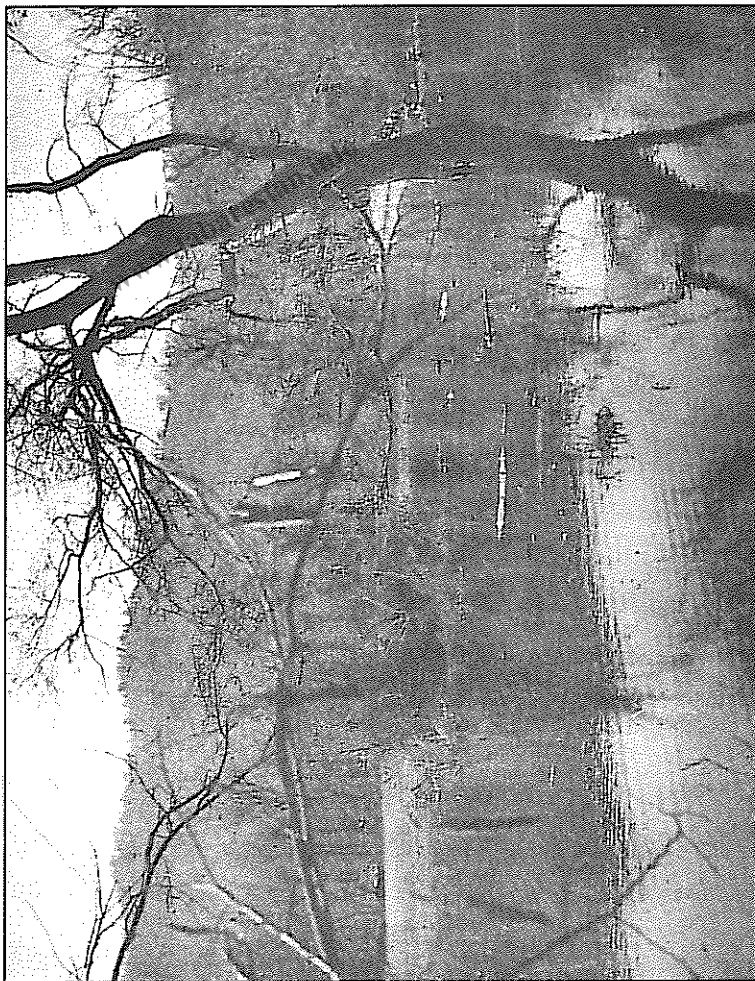
جدول شماره ۵. مناطق حفاظت شده استان مازندران، ۱۳۷۶ ش

شهرستان	نام منطقه	مساحت منطقه (هکتار)
بهشهر	پناهگاه حیات وحش میانکاله	۶۸۸۰۰
ساری	منطقه حفاظت شده دودانگه و چهاردانگه	۱۵۰۰۰
ساری	پناهگاه حیات وحش دشت ناز	۵۵
ساری	پناهگاه حیات وحش سمسکنده	۹۳۷
نوشهر	منطقه حفاظت شده البرز مرکزی	۲۳۰۰۰۰
تنکابن	اثر طبیعی ملی خشکه داران	۲۲۷

جدول شماره ۶. تعداد آب بندهای زیستگاه پرندگان مهاجر در استان مازندران،

۱۳۷۶ ش

نام شهرستان	تعداد آب بندها	وسعت (هکتار)	نام پرندگان مهاجر آبزی	نام پرندگان مهاجر کنار آبزی
ساری	۹	۷۶۰	قو، اردک سرسبز، چنگر، فیلوش، خوتکا	حواصیل، پرستو دریایی، اگرگ، خروس کولی
جویبار	۹	۸۴۷	اردک سرسبز، چنگر، فیلوش، خوتکا	حواصیل، پرستو دریایی، اگرگ، خروس کولی
نور	۳	۳۱	اردک سرسبز، چنگر، خوتکا	سلیم
بابل	۸	۶۷۵	اردک سرسبز، چنگر، فیلوش، خوتکا	حواصیل، پرستو دریایی، اگرگ، خروس کولی



تصویر ۱. نمایی از عباس آباد بهشهر

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل دوم

جغرافیای انسانی

www.tabarestan.info

۱. جمعیت و ویژگی‌های آن سابقه سکونت در استان مازندران، با توجه به پژوهش‌های باستان‌شناسی، به حدود ۷۵ هزار سال قبل از میلاد می‌رسد. نخستین آمار رسمی که از تعداد سکنه مازندران در دست داریم مربوط به سال ۱۳۲۰ خورشیدی است.

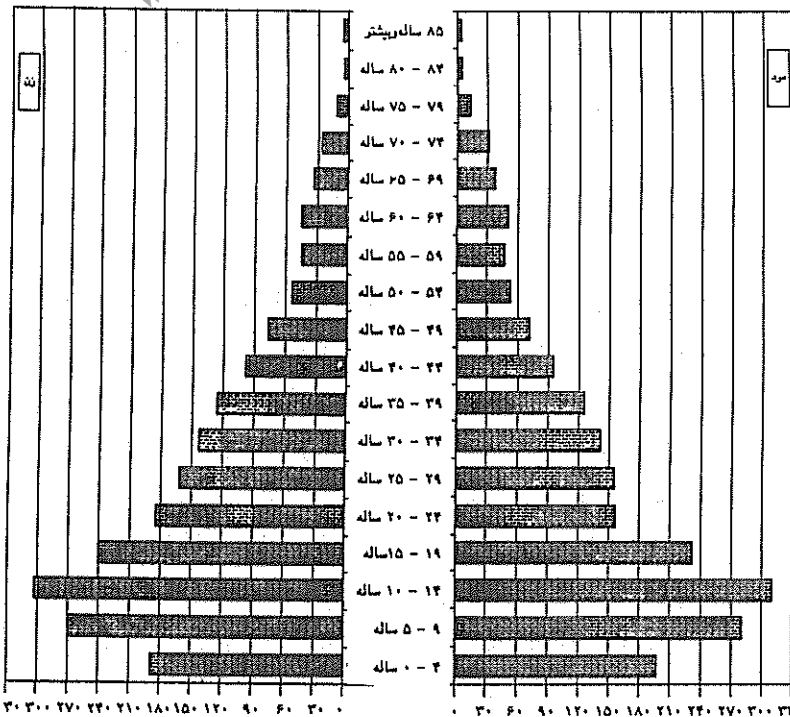
مازندران در این سال حدود ۴۵۰,۰۰۰ تن (با تراکم ۴۰ تن در هر کیلومتر مربع) جمعیت داشت. این تعداد به دلیل رشد بالای زاد و ولد و مهاجرت در سال ۱۳۴۵ خورشیدی به ۱,۸۳۷,۲۷۳ تن و در سال ۱۳۶۵ خورشیدی (طبق تقسیم‌بندی فعلی) به ۲,۲۷۴,۸۶۲ تن بالغ شده است. در سال ۱۳۷۵ خورشیدی، طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، جمعیت مازندران به ۲,۶۰۲,۰۰۸ تن (حدود ۴/۳ درصد جمعیت کشور) رسیده است که از این جمعیت حدود ۴۵/۹ درصد در نقاط شهری و بقیه در روستاها به سر می‌برده‌اند. تراکم نسبی جمعیت استان، در این سال، حدود ۱۰۸ تن در هر کیلومتر مربع بوده است. هم‌چنین نسبت جنسی جمعیت استان در سال ۱۳۷۵ خورشیدی برابر ۹۹ (به‌ازای هر ۱۰۰ زن، ۹۹ مرد) و با توجه به تعداد ۵۶۸,۸۱۶ خانوار استان، متوسط بعد خانوار ۴/۸۱ بوده است.

طبق آمار این سال، ساری و بابل از پرجمعیت‌ترین و رامسر، سوادکوه و

جویبار از کم جمعیت ترین شهرستان های استان بوده اند. (۲۰)

جدول شماره ۷. جمعیت شهرنشین و روستائین استان در ۱۳۵۵-۱۳۷۷ ش

سال ۱۳۷۵ ش		سال ۱۳۵۵ ش		
درصد	جمعیت	درصد	جمعیت	
۱۰۰	۲۶۰۲۰۰۸		۲۳۸۳۹۵۳	استان
۴۵/۹	۱۱۹۴۳۳۳	۳۴	۸۰۷۸۲۹	شهرنشین
۵۴/۱	۱۴۰۷۷۷۵	۶۶	۱۵۷۶۱۳۰	روستائین



هزار نفر

نمودار شماره ۱. هرم سنی جمعیت استان مازندران

هزار نفر

از جمعیت مازندران در سال ۱۳۷۵ خورشیدی، حدود ۸۱ درصد (۸۷)

درصد در شهرها و ۷۶ درصد در روستاها) باسواد بوده‌اند. در سال ۱۳۷۶ خورشیدی، این استان دارای ۳۵ بیمارستان (با ۳۶۶۲ تخت)، یک پزشک برای هر ۱۸۸۲ نفر و ۳۵ کتابخانه بوده است. از سابقه مهاجرت به این استان در گذشته، می‌توان به مهاجرت (احتمالاً اجباری) کردها اشاره کرد که در بهشهر (محلّه زاغمرز)، نور (محلّه کردخیل) و جویبار (کردمحلّه) به‌سر می‌برند. مسعود کیهان در ۱۳۱۰ خورشیدی، به مهاجرت ایل

جدول شماره ۸. جمعیت شهرستان‌های استان در ۱۳۷۵ ش

ردیف	نام شهرستان	جمعیت در ۱۳۷۵ ش	جمعیت شهرنشین	جمعیت روستانشین
۱	آمل	۲۹۷ ۷۴۳	۱۶۰ ۴۲۹	۱۳۷ ۳۱۴
۲	بابل	۴۲۱ ۰۶۸	۱۷۹ ۶۲۶	۲۴۱ ۴۴۲
۳	بابلسر	۱۵۵ ۲۶۵	۶۶ ۶۲۰	۸۸ ۶۴۵
۴	بهشهر	۱۷۶ ۷۳۱	۹۹ ۳۰۰	۷۷ ۴۳۱
۵	تنکابن	۱۷۴ ۰۳۰	۷۰ ۹۶۰	۱۰۳ ۰۷۰
۶	رامسر	۶۴ ۴۴۰	۴۵ ۱۹۳	۱۹ ۲۴۷
۷	ساری	۴۲۳ ۸۰۶	۱۹۹ ۶۶۴	۲۲۴ ۱۴۲
۸	سوادکوه	۶۹ ۲۲۲	۳۰ ۴۰۳	۳۸ ۸۱۹
۹	قائم‌شهر*	۲۶۳ ۴۲۶	۱۵۰ ۱۲۰	۱۱۳ ۲۹۶
۱۰	محمودآباد	۸۳ ۴۳۶	۲۰ ۰۵۴	۶۳ ۳۸۲
۱۱	نکا	۹۸ ۸۲۷	۳۵ ۲۰۸	۶۳ ۶۱۹
۱۲	نور	۹۴ ۷۶۸	۲۷ ۱۶۵	۶۷ ۶۰۳
۱۳	نوشهر*	۱۰۵ ۲۷۶	۳۵ ۴۸۶	۶۹ ۷۹۰
۱۴	جویبار*	۶۹ ۹۹۱	۲۴ ۴۶۷	۴۵ ۵۲۴
۱۵	چالوس*	۱۱۲ ۰۳۰	۵۵ ۸۲۵	۵۶ ۲۰۵

* جمعیت شهرستان‌های قائم‌شهر و جویبار - نوشهر و چالوس در سرشماری سال ۱۳۷۵ خورشیدی به دلیل تقسیمات کشوری وقت، با هم آمده اما با توجه به جمعیت بخش‌ها، جداگانه محاسبه شد.

عبدالملکی (قشقایی) در دوره قاجاریه به زاغمرز مازندران، مهاجرت عمراتلوها به گلوگاه و طوایف کلباد به منطقه‌ای میان اشرف [بهشهر کنونی] و

بندرگز [یعنی منطبق بر گلوگاه فعلی]، و نیز مهاجرت چهار طایفه به اطراف آمل و مهاجرت ایل خواجه‌وند به کجور و طوایف گریلی و نکا به اطراف رود نیکا (نکا) اشاره کرده است. (۲۱)

۲. ویژگی‌های اقتصادی

زراعت و دامداری اقتصاد مازندران مبتنی بر کشاورزی، صنعت و خدمات است. این استان یکی از قطب‌های اصلی کشاورزی ایران (مشمول بر زراعت، جنگلداری، باغداری، دامداری و شیلات) شمرده می‌شود و برنج و مرکبات از محصولات اصلی آن‌جا است. در سال ۱۳۷۵ خورشیدی، از جمعیت شاغل ده‌سال و بیشتر استان حدود ۳۶/۵ درصد در زمینه کشاورزی، شکار و جنگلداری و ماهیگیری فعالیت می‌کردند و ۱۶/۲ درصد در زمینه صنعت و مشاغل مربوط به آن.

میزان اراضی زیر کشت استان در این سال حدود ۴۰۷ هزار هکتار بود که ۱۴ درصد به کشت گندم و جو، ۵۷ درصد به کشت برنج و ۱۳ درصد به کشت زراعت‌های صنعتی (دانه‌های روغنی) اختصاص داشت. در ناحیه کوهستانی و ییلاقی استان چراگاه‌هایی وجود دارد، برای چرای دام‌ها در ماه‌های گرم سال. گندم و جو (به‌ویژه در هزارجریب) محصول اصلی این ناحیه است. در ناحیه میان‌بند دامداری و تولید غلات و در ناحیه جلگه‌ای زراعت‌های آبی و دیمی و باغداری رونق فراوان دارد. کشت برنج که در فروردین و اردیبهشت آغاز می‌شود، از محصولات اصلی نواحی جلگه‌ای است. محصولات عمده استان علاوه بر برنج و گندم، توتون، الیاف، پنبه، کنف، سویا، جو، آفتابگردان، چای، ابریشم، نیشکر و علوفه‌های دامی است. بیشترین تولید محصول سالانه دیم (حدود ۳۳/۷ درصد) و تقریباً ۵/۴ درصد باغ‌های کشور به استان مازندران اختصاص دارد. فرآورده‌های اصلی باغ‌های استان پرتقال، انار، کیوی، نارنج،

لیمو و نارنگی است، که بخشی از آن صادر می‌شود. (۲۲) دامداری در استان شامل پرورش گاو، گوسفند - به‌ویژه گوسفند زل -، بز، گاو میش و پرورش طیور خانگی است. رزم‌آرا در سال ۱۳۳۰ خورشیدی از تولید غلات (حدود ۱۲۰ هزار تن)، توتون (حدود ۲۵۰ تن)، پرورش اسب (حدود ۱۰ هزار رأس)، بز و گوسفند (حدود ۱۷۰ هزار رأس)، گاو (حدود ۲۰ هزار رأس) در این استان سخن گفته است. (۲۳)

صنایع دستی صنایع دستی در این استان رونق چندانی ندارد تنها می‌توان به ده کارگاه صنایع دستی (خدماتی - آموزشی) اشاره کرد که به فعالیت مشغول‌اند. مهم‌ترین صنایع دستی استان گلیم‌بافی، قالی‌بافی، پارچه‌بافی، مصنوعات چوبی، تولیدات پشمی، سوزن‌دوزی، سفالگری و سرامیک، نمدمالی و... است.

صنایع صنایع کارخانه‌ای استان عمدتاً مشتمل بر حریربافی، چیت و پارچه، پنبه‌پاک‌کنی، برنج‌پاک‌کنی و صنایع چوب و کاغذ است که بیشتر در شهرستان‌های بهشهر، ساری، قائم‌شهر و آمل فعال است. سیلوی نکا (واقع در شمال شهر نکا) با ظرفیت ذخیره حدود ۱۰۳,۰۰۰ تن گندم معروف است. جدول بعدی به مشخصات مهم‌ترین واحدهای تولیدی و کارگاه‌های استان اختصاص دارد.

صیادی و شیلات صید آبزیان، ماهیان خاویاری، ماهی آزاد، ماهی سفید، کفال، کپور، کیلکا در منابع آب استان، به‌ویژه دریای خزر و رودها، رونق فراوان دارد. در سال ۱۳۷۶ خورشیدی، حدود ۴۳/۱۵۵ کیلوگرم خاویار در مازندران به‌دست آمده است. تعاونی‌های صیادی استان نیز متأثر از سه شیوه صید پره (با ۴۳ تعاونی)، دام‌گستر (با شانزده تعاونی) و نوری (برای ماهی کیلکا با دوازده تعاونی) فعال است. هم‌چنین اهالی نیز در خلیج گرگان و رودهای استان به صید ماهی می‌پردازند.

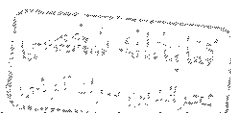
جدول شماره ۹. مشخصات بعضی از واحدهای تولیدی (کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی) استان مازندران، ۱۳۷۶ ش

نام شهرستان	نام واحد تولیدی	نام فرآورده دارای علامت استاندارد	نام شهرستان	نام واحد تولیدی	نام فرآورده دارای علامت استاندارد
آمل	آمل پخش	ویفر	تنکابن	بهره	خمیر دندان و مایع ظرفشویی
آمل	فرآورده گوشتی آمل	کالیاس خشک و غیره	تنکابن	افضرتان	آبمیوه، خیارشور و غیره
آمل	والا صنعت	پلویز ۲ شعله	تنکابن	قوش مازندران	آب انگور، آب پرتقال و آبمیوه
آمل	دریا ملوان	پلویز ۲ شعله	ساری	پاک پاک	مایع ظرفشویی
آمل	سوزان گاز	پلویز ۲ و تک شعله	ساری	ژون	خمیر دندان
آمل	گلبرگ آبی	مایع ظرفشویی و سفیدکننده	ساری	شمالیت	ورق موجدار آرزوست
آمل	کاله	شیر و ماست پاستوریزه	ساری	خوش نوش	نوشابه گازدار
آمل	مهیاری معیهر	ماکارونی	ساری	شیر و گوشت مازندران	شیر پاستوریزه
آمل	خزر گاز	گاز ۳ شعله، رومیزی و غیره	ساری	کشت و صنعت شمال	روغن نباتی جامد
آمل	جایان گاز	اجاق گاز ۳ شعله و ۲ شعله	ساری	قالب و قطعه سازی شمال	پسپمیزین (پیکان و نیسان)
بابل	تهران کار	مایع ظرفشویی	ساری	تفلون شمال	ظروف تفلون
بابل	کیا آفرین	ضدیخ	ساری	تجهیز مدارس ایران	میز و نیمکت چوبی
بابل	گلخند بهداشت	دستمال کاغذی	ساری	درب شهید رجایی	تخته چندلایی
بابل	شکوفه آزادی	روغن نباتی جامد	ساری	پروریز رئیسی	سفیدکننده
بابلسر	میم فیلتر	فیلتر روغن پیکان و تراکتور	ساری	سردخانه سام	خدماتی
بابلسر	فرش البرز	فرش ماشینی	قائم شهر	کاغذ سازی قائم شهر	دستمال کاغذی و غیره
بابلسر	کیمیا کاران	خمیر دندان	قائم شهر	پلاستیک مازندران	شورت پلاستیکی و غیره
بهشهر	بهپاک بهشهر	پروتئین سویا	قائم شهر	پاک شوین	مایع ظرفشویی و سفیدکننده
بهشهر	نویان ۲۲ بهمن	تخته خرده چوب	نکا	میمان نکا	سیمان پرتلند نوع ۲
بهشهر	مهزاد گستر	ماکارونی	نوشهر	نیخ شمال	نیخ لاسترچ پلی استر
تنکابن	هماند شمال	دستمال کاغذی	نوشهر	تعاونی ۸۰	۵ شعله فردار

۳. راه‌های ارتباطی مازندران از زمان‌های دور، به دلیل کوهستانی و صعب‌العبور بودن مناطق جنوبی، بیشتر از راه‌های شرقی - غربی با مناطق پیرامون خود مرتبط بود. این موضوع در فتح مسلمانان، که در قرن اول هجری از راه گرگان به شهرهای مازندران دست یافتند، نمایان است. هم‌چنین از مهم‌ترین راه‌های قدیمی مازندران می‌توان به راه‌های سنگ‌فرش گرگان - ساری و اصفهان به فرح‌آباد اشاره کرد.

امروزه مازندران از راه‌های اصلی، راه آهن و خطوط هوایی با شهر تهران و استان‌های مجاور مرتبط است. جمع کل راه‌های استان (در حوزه راه و ترابری مازندران) حدود ۲۶۰۰ کیلومتر است که ۱۸ درصد ۴ خطه، ۱۰ درصد راه اصلی و ۴۵ درصد راه فرعی آسفالت‌ه است.

مهم‌ترین راه‌های ارتباطی استان به شهر تهران راه اصلی آمل - تهران (معروف به جاده هراز)، نوشهر و چالوس - کرج - تهران (معروف به جاده کندوان) و قائم‌شهر - فیروزکوه - تهران (معروف به جاده فیروزکوه) است. راه آمل - تهران حدود ۱۹۳ کیلومتر و نزدیک‌ترین راه ارتباط استان با شهر تهران است. این راه که از آب گرم لاریجان، پلور و امامزاده‌هاشم می‌گذرد؛ حدود هشت متر عرض، ۶۰۰ پل کوچک و شانزده پل بزرگ (بزرگ‌ترین پل ۱۵۲۰ متر) دارد. راه کندوان حدود ۲۱۸ کیلومتر است که از ارتفاعات البرز و گردنه کندوان می‌گذرد. در این مسیر تونل کندوان (شروع احداث در ۱۳۱۷ ش)، به طول ۸۸۴ متر قرار دارد که یکی از مرتفع‌ترین (در ارتفاع ۳۰۳۰ متری) و بزرگ‌ترین تونل‌های کشور است. (۲۴) راه فیروزکوه نیز از مناطق کوهستانی سوادکوه و فیروزکوه می‌گذرد، و اهمیت آن به دلیل وجود راه آهن سراسری است. این راه پنج تونل اصلی دارد که ورسک (وَرَسک) از آن جمله است. علاوه بر مهم‌ترین راه‌های ارتباطی، مازندران از راه کناره (ساحلی)، با شهرهای استان گیلان و از راه اصلی با شهر گرگان و شهرهای استان‌های گلستان و خراسان در



مشرق ارتباط دارد. از اقدامات اخیر راه‌سازی در استان، احداث جاده کوهستانی از مشرق مازندران به استان سمنان است، که هنوز به پایان نرسیده است. راه آهن سراسری تهران - شمال نیز به طول ۳۸۱ کیلومتر، در استان مازندران و ۲۶ ایستگاه دارد و شهرهای مشرق استان را با تهران پیوند می‌دهد. مرتفع‌ترین نقطه راه آهن شمال گردنه گدوک (در ارتفاع ۲۲۱۵ متری) است. تعداد تونل‌های راه آهن شمال ۹۳ و طول مجموع تونل‌ها حدود ۲۴ کیلومتر است. در این مسیر تونل گدوک (طول‌ترین تونل با ۲۸۸۰ متر) و پل‌های اورین (میان ایستگاه سرخ‌آباد و ورسک) و ورسک مشهور است. پل ورسک با ۶۶ متر دهانه و ۱۱۰ متر ارتفاع از خط‌القعر دره، در جنگ جهانی دوم پل پیروزی نام گرفت.



تصویر ۲. نمایی از شهر بابل

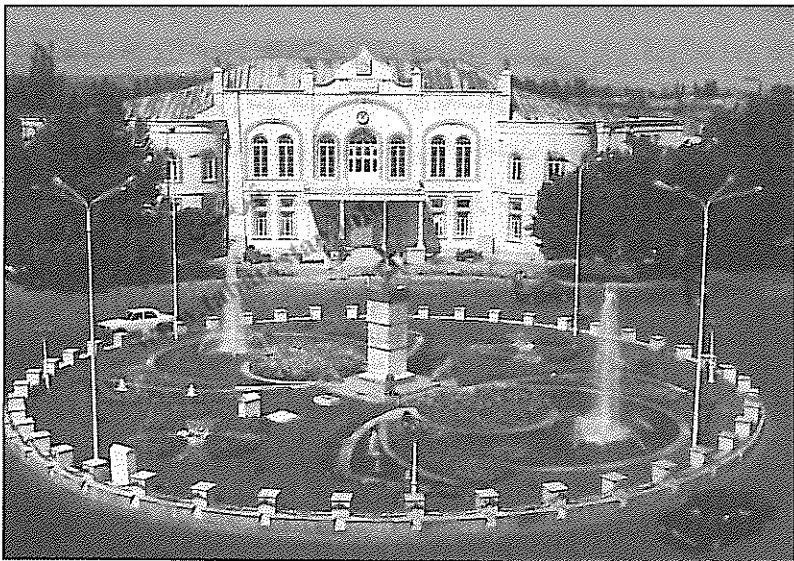
اهالی شهرهای مازندران نیز عمدتاً از راه اصلی با مرکز استان ارتباط دارند.

شهرهای کتالم و سادات محله (در فاصله ۲۶۵ کیلومتری) و رامسر (در فاصله ۲۵۵ کیلومتری) غربی ترین؛ بهشهر (در ۴۸ کیلومتری) و گلوگاه (در ۶۵ کیلومتری) شرقی ترین شهرهای مازندران به شمار می روند.

جدول بعدی به جمعیت و فاصله شهرهای استان با ساری اختصاص دارد. هم چنین بنادر اصلی نوشهر (با پنج اسکله و کاربری چندمنظوره) و نکا (با

جدول شماره ۱۰. جمعیت و فاصله شهرهای استان مازندران تا مرکز استان (ساری)

شهر	جمعیت در سال ۱۳۷۵ ش	فاصله (کیلومتر)	شهر	جمعیت در سال ۱۳۷۵ ش	فاصله (کیلومتر)
آلاشت	۴۲۴	۱۰۰	سلمانشهر	۸۳۰۲	۱۹۴
آمل	۱۵۹۰۹۲	۷۰	سورک	۸۳۹۹	۱۲
امیرکلا	۲۱۲۸۰	۴۳	شیرگاه	۹۵۴۶	۴۰
بابل	۱۵۸۳۴۶	۴۰	عباس آباد	۹۳۸۳	۲۰۵
بابلسر	۳۸۶۴۴	۵۴	فریدون کنار	۲۷۹۷۶	۶۲
بهشهر	۷۲۰۶۷	۴۸	قائم شهر	۱۴۳۲۸۶	۲۰
پل سفید	۷۶۴۸	۷۰	کتالم و سادات محله	۱۶۲۳۹	۲۶۵
تنکابن	۳۳۶۵۰	۲۳۰	کلار آباد	۴۹۷۳	۱۹۱
جویبار	۲۳۹۰۹	۲۰	کلاردشت	۵۱۳۱	۲۲۴
چالوس	۴۱۳۴۵	۱۶۹	کیاسر	۳۷۸۲	۷۰
چمستان	۴۸۸۵	۱۲۷	کیاکلا	۴۳۱۹	۳۲
خرم آباد تنکابن	۹۸۸۱	۲۵۰	گلوگاه	۱۶۴۶۰	۶۵
رامسر	۲۸۹۵۴	۲۵۵	محمود آباد	۲۰۰۵۴	۸۸
رستمکلا	۱۰۷۷۳	۳۵	مرزن آباد	۶۴۸۸	۱۹۴
رویان	۵۵۹۲	۱۱۹	نشتارود	۴۷۷۰	۲۱۲
رینه لاریجان	۱۳۳۷	۹۳	نکا	۳۵۲۰۸	۲۰
زیراب	۱۲۷۸۵	۶۰	نور	۱۶۶۸۸	۱۱۲
ساری	۱۹۵۸۸۲	—	نوشهر	۳۵۱۳۳	۱۶۴



تصویر ۳. دانشکده پزشکی

دوازده اسکله و کاربری چندمنظوره) و سه فرودگاه در شهرهای ساری، نوشهر و رامسر در مازندران فعال است. در سال ۱۳۷۶ خورشیدی، در بنادر استان ۲۸۵ کشتی نفتکش و ۲۰۹ کشتی تجاری لنگر انداخته‌اند و از سه فرودگاه آن ۱۲۱۶ پرواز صورت گرفته است. در دهه‌های قبل، طبق گزارش رزم آرا، بنادر مهمی در استان فعال بودند که بندر محمودآباد (بندرگاه مهم)، بابلسر (بندر آزاد مقابل دریا)، فرح آباد/ خزرشهر (بندر قدیمی و مستعد)، تنکابن/ شهسوار (لنگرگاهی مساعد کشتی‌های بزرگ)، نوشهر (از بنادر قابل توجه شمال و بهترین بندر طبیعی به دلیل محل مناسب و عمق لازم) از آن جمله‌اند. شهرهای فریدون‌کنار و نور نیز سابقاً بندر تجاری بودند. از بنادر در حال احداث مازندران می‌توان به بندر امیرآباد (با دو اسکله چندمنظوره)، فریدون‌کنار (با

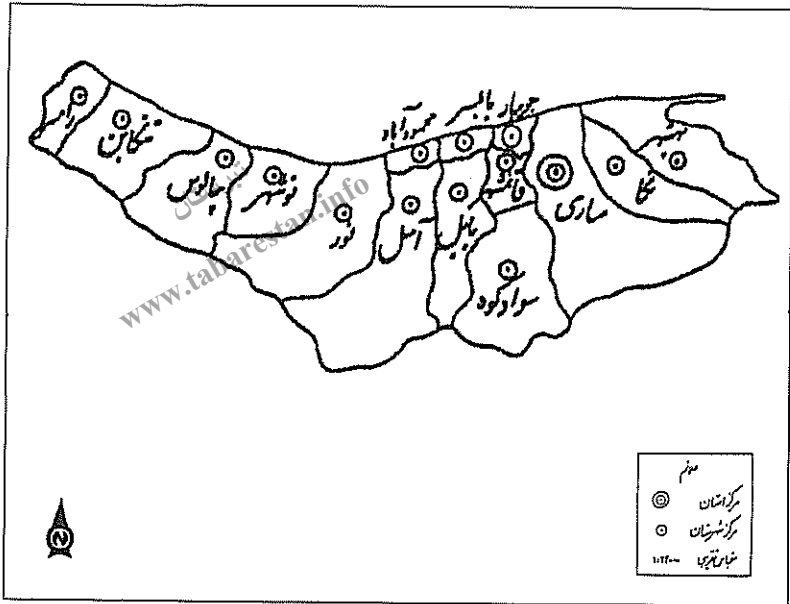
پنج اسکله چندمنظوره) و بابلسر (با کاربری صیادی - مسافری) اشاره کرد.

۴. تقسیمات کشوری مازندران از نظر تقسیمات کشوری و حکومتی، دارای سابقه‌ای نسبتاً طولانی است. در سال ۱۳۲۵ قمری، طبق «قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام»، مملکت محروسه ایران به مناطقی تقسیم شد که در آن تقسیم نامی از مازندران نبود، اما در سال ۱۳۴۱ قمری (۱۳۰۱ ش) که مملکت ایران به هشت ایالت تقسیم شد، مازندران استان سوم به‌شمار آمد. در سال ۱۳۱۰ خورشیدی، مسعود کیهان تقسیمات حکومتی مازندران را مشتمل بر ده منطقه ساری و اشرف و علی آباد، بارفروش، هزارجریب، سوادکوه، بندپی، آمل و لاریجان، نور، کجور، کلارستاق و تنکابن ذکر کرده است. در سال ۱۳۱۶ خورشیدی، طبق تقسیمات جدید ایران، مصوب ۱۶ آبان سال ۱۳۱۶ خورشیدی، کشور ایران به ده استان تقسیم و مازندران، مشتمل بر شهرستان‌های قم، کاشان، تهران، سمنان، ساری و گرگان، استان دوم نامیده شد. در این سال شهسوار (تنکابن) جزو استان یکم (گیلان) بود. در سرشماری ۱۳۳۵ خورشیدی، استان فعلی گلستان و سمنان و شهرستان کاشان جزو مازندران بود. در تقسیمات سال ۱۳۴۰ خورشیدی وزارت کشور، مازندران (به مرکزیت شهر ساری) از استان‌های سیزده گانه ایران و مشتمل بر دوازده فرمانداری، ۳۲ بخشداری و مناطقی از جمله شهرستان‌های کاشان، نظنز، گرگان و دشت گرگان شد. در اصلاحات تقسیمات کشوری این سال، شهرستان کاشان و استان سمنان از مازندران جدا شد.^(۲۵) در تقسیمات سال ۱۳۵۵ خورشیدی، مازندران مشتمل بر ده شهرستان ساری، گرگان، بابل، گنبدکاووس، شاهی (قائم شهر کنونی)، بهشهر، نوشهر، شهسوار، آمل و نور است.^(۲۶) تقسیمات استان مازندران در سال ۱۳۷۵ خورشیدی، شامل شهرستان‌ها، بخش‌ها، مراکز شهرستان‌ها (و ارتفاع آنها)، در جدول بعدی آمده است.

جدول شماره ۱۱. تقسیمات شهرستان و بخش استان در سال ۱۳۷۵ ش

نام شهرستان	بخش‌های تابعه	مرکز شهرستان	ارتفاع مرکز شهرستان تقریبی به متر
۱. آمل	مرکزی، لاریجان	آمل	۸۰
۲. بابل	مرکزی، بابل‌کنار، لاله‌آباد، بندپی شرقی، بندپی غربی	بابل	-۲
۳. بابلسر	مرکزی، رودبست، بهنمیر، فریدون‌کنار	بابلسر	-۲۸
۴. بهشهر	مرکزی، گلگاه، یانه‌سر	بهشهر	۲۰
۵. تنکابن	مرکزی، عباس‌آباد	تنکابن	-۲۰
۶. جویبار	مرکزی. گیل‌خوران	جویبار	-۹
۷. چالوس	مرکزی، کلاردشت	چالوس	-۲۰
۸. رامسر	مرکزی	رامسر	-۲۰
۹. ساری	مرکزی، چهاردانگه، دودانگه، میانرود	ساری	۴۰
۱۰. سوادکوه	مرکزی، شیرگاه	پل سفید	۶۰۰
۱۱. قائم‌شهر	مرکزی، کیاکلا	قائم‌شهر	۴۰
۱۲. محمودآباد	مرکزی، سرخورد	محمودآباد	-۲۰
۱۳. نکا	مرکزی، هزارجریب	نکا	۴۵
۱۴. نور	مرکزی، بلده، چمستان	نور	-۲۱
۱۵. نوشهر	مرکزی، کبجور	نوشهر	-۲۰

۵. اوضاع سکونت، زبان و مذهب چهره و بافت شهرهای مازندران متأثر از عوامل طبیعی، اقتصادی و اجتماعی است. محلات قدیمی با کوچه‌های تنگ و باریک با مصالح خشت و چوب و گل و سفال از یک سو و خیابان‌های وسیع و میدان‌های بزرگ با ساختمان‌هایی از مصالح جدید، پیرامون محلات قدیمی، که در روند دگرگونی‌های اجتماعی و توسعه شهرنشینی به وجود آمده است، از سوی دیگر، از مشخصه‌های بارز این شهرهاست. هنوز در بسیاری از شهرها و آبادی‌های استان خانه‌هایی با مصالح قدیمی دیده می‌شود و سقف بسیاری از آنها شیروانی است. مسکن با مصالح عمدتاً از چوب در نواحی



تصویر ۴. نقشه استان مازندران به تفکیک شهرستان

جنگلی و سنگ و خشت در نواحی بیلاقی فراوان است. طبق آمار سال ۱۳۷۵ خورشیدی، از ۷۵۳،۸۹۶ واحد مسکونی در استان مصالح ۴،۶۹۳ واحد تمام چوب، ۵۱،۴۸۳ واحد خشت و چوب و ۲۵،۱۷۸ واحد خشت و گل است. در مازندران، طبق برآورد سال ۱۳۷۶ خورشیدی، از ۳،۵۴۹ آبادی ۲۲۸۲ آبادی در جلگه و ۸۶۴ آبادی در نواحی کوهستانی قرار دارند. در این زمینه شهرستان بابل با ۶۰۴ آبادی، ساری با ۴۲۴ آبادی و تنکابن با ۴۰۲ آبادی اهمیت خاصی دارند.

اهالی مازندران به زبان فارسی و گویش مازندرانی تکلم می‌کنند. گویش مازندرانی که بازمانده زبان ایرانیان قدیم (پارسی میانه) و تقریباً در همه جای

استان متداول است، در شهرستان‌های مغرب، مرکزی و مشرق استان تفاوت‌هایی دارد. هم‌چنین بیشتر مردم استان مسلمان و پیرو مذهب شیعه اثنی‌عشری هستند. در سال ۱۳۷۶ خورشیدی، از کل جمعیت استان، ۲,۵۹۳,۲۶۳ نفر (۹۹/۷ درصد) مسلمان، ۵۹۲ نفر (۰/۰۲ درصد) زرتشتی و ۲۵۰ نفر (۰/۰۱ درصد) مسیحی بودند و بقیه دین خود را اظهار نکرده‌اند.

فصل سوم

طبرستان از کهن‌ترین روزگاران

تاجمله مغول

۱. وجه تسمیه دربارۀ وجه تسمیۀ طبرستان (تبرستان) و مازندران اظهار نظرهای گوناگونی شده است. در بسیاری از متن‌های قدیم و جدید آمده است که، «تبرستان» از نام تپورستان اخذ شده و تپورستان محل سکونت قوم تپور بوده و بطلمیوس (جغرافی‌دان قرن دوم میلادی) محل سکونت آنها را در منطقه‌ای میان پارت (خراسان) و آریا ذکر کرده است.^(۲۷)

نام طبرستان ظاهراً نخستین بار در نامۀ تنسر، که ابن اسفندیار مورخ مشهور مازندران در کتابش تاریخ طبرستان، تألیف سال ۶۱۳ قمری، به آن اشاره کرده، آمده است، که اردشیر اول (شاه ساسانی) در نوشته‌ای به جشنسف، او را شاه... «طبرستان» و... خوانده است.^(۲۸) این نام از طبر (یا تبر) + ستان (پسوند مکان) ساخته شده و زمانی با آذربایجان، گیلان، ری، دامغان و گرگان و... قسمتی از ایالت وسیع «فرشادگر» (پشخوارگر) بوده است.^(۲۹) به نوشته ابوالفدا (که خود ظاهراً از محمد بن جریر طبری اخذ کرده) به دلیل آن‌که اهالی طبرستان در سرزمینی با جنگل‌های انبوه، غالباً از تبر برای شکستن هیزم استفاده می‌کردند، محل سکونت آنها به تبرستان معروف شده است.^(۳۰) ظهیرالدین مرعشی طبر

را به معنای کوه و طبرستان را به معنای کوهستان آورده که داخل «فرشوادگر» است. بارتولد این نام را تحریف شده «تاپوران»، در زمان فتح مسلمانان، دانسته و به ضرب سکه‌هایی به این نام در دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی اشاره کرده است.^(۳۱) رابینو نظر مرعشی را نقل کرده و بر این عقیده است که هنگام حمله مغول نام طبرستان متروک و مازندران متداول شده است.^(۳۲)

نام مازندران، برخلاف نظر بسیاری از مورخان و جغرافیایان، که نوشته‌اند، نخستین بار در کتاب معجم البلدان تألیف یاقوت حموی (در ۶۲۳ قمری، تقریباً هم‌زمان با حمله مغول) آمده، قبل از آن نیز متداول بوده است. چنان‌که محمد بن علی بن سلیمان راوندی، مؤلف کتاب راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق، در ۵۹۹ قمری به دفعات نام مازندران را در ذکر وقایع به کار برده است.^(۳۳) یاقوت حموی نوشته است، «نمی‌دانم چه زمانی مازندران [متداول] شد و در کتب قدیمی آن را نیافتیم. اهالی آن را به کار می‌بردند و شک نیست که مفهوم هر دو [طبرستان و مازندران] یکی است».^(۳۴) ابن اسفندیار قبل از او نام مازندران را جدید خوانده و استدلال کرده است که چون این سرزمین درون کوه موز، کوهی از گیلان تا جاجرم (شهری در خراسان)، واقع شده، این ولایت را «موز اندرون» نامیده‌اند.^(۳۵) در قرن هشتم قمری، حمدالله مستوفی، مازندران را در اصل «موز اندرون» دانسته که درون کوه - موز از کوه‌های البرز و میان گیلان و قومس (سمنان کنونی) - واقع است.^(۳۶) در اواخر قرن نهم قمری، ظهیرالدین نیز به وجه تسمیه مازندران اشاره کرده است. او نام مازندران را مانند ابن اسفندیار جدید و به سبب واقع شدن در داخل کوه موز و به قولی دیگر به سبب واقع شدن در دیواری که «مازیار از جاجرم به جیلان ساخته»، «مازاندرون» به معنی سرزمین درون آنها دانسته است.^(۳۷) بارتولد مأخذ این نام را مشکوک می‌داند، با این همه هم روایت سرزمین درون کوه موز و هم روایت سرزمین درون دیوار «ماز» را، که مازیار بن قارن در قرن دوم قمری ساخته، نقل

می‌کند. (۳۸) رابینو «موزندرون» را درست دانسته و مانند ملگونف (۳۹) و اعتمادالسلطنه (۴۰) مطالبی از پیشینیان نقل کرده است. (۴۱) با این وصف مازندران از نظر محدوده جغرافیایی، در دوره پس از اسلام، گاه بخش بزرگی از طبرستان و (گاه) منطبق با آن بوده است. از ویژگی‌های تحولات تاریخی مازندران، ثبات نسبی مرزها و تغییرات اندک وسعت آن است. به طوری که حدود مرزهای شرقی و غربی و مساحت فعلی تقریباً منطبق بر مرزها و مساحت قدیم طبرستان و مازندران است. به‌رحال مازندران سرزمینی بود که به قول ابن اسفندیار از قدیم‌الایام برای افراد رانده شده از شاهان، محل امنی بود و به هیچ چیز از دیگر ولایات نیاز نداشت؛ هرچه در معموره دنیا موجود بود در آن حاصل می‌شد و گیاه تر و تازه در همه سال، آب‌های صاف، انواع نان از گندم و برنج، انواع طیور و طعام‌های لذیذ در آن بود. ابومنصور، عبدالملک ثعالی نیز ضمن ستودن سرسبزی و صنایع دستی سرزمین مازندران، از صادرات پارچه، به‌ویژه پارچه‌های خیش (نوعی پارچه‌های کتانی با بافت نازک) از این منطقه، سخن گفته است. (۴۲)

۲. طبرستان پیش از اسلام درباره اوضاع پیش از اسلام طبرستان اطلاع

چندانی در دست نیست. در این دوره از «اتوفرادات»، نخستین فرمانروای محلی در دوره اسکندر و «امردوان یکم» دومین فرمانروای محلی در دوره اشکانی یاد شده است. (۴۳) در دوره ساسانیان، اردشیر ساسانی طبرستان و سایر بلاد و پشخوارگر را به جشنسف شاه واگذار کرد. (۴۴) فریدون نیز طبق شعر فردوسی «ز آمل گذر سوی تمیشه کرد نشست اندر آن نامور بیشه کرد»،

تمیشه را، که شهری در مشرق طبرستان بود، پایتخت (نشست‌جای) خود قرار داد. ابن اسفندیار نوشته است، بارها به تمیشه رفته و آثار گنبدهای حمام و خندق (دیواری) را، که از کوه تا دریا بود، مشاهده کرده است. این سرزمین، در

قرن اول حکومت ساسانی، «پرشوارگر» نامیده می‌شد و این نام مشتعل بر آذربایجان و قومس و طبرستان و گیلان بود.^(۴۵) در دوره ساسانیان، انوشیروان ساسانی دیواری آجری، از کوه تا دریا، در مشرق همیشه، بنا کرد تا مانع غارت طبرستان به دست ترکان شود.^(۴۶) در زمان انوشیروان ساسانی، قارن بن سوخرا به فرمانروایی نواحی همیشه رسید و آن‌جا را عمارت کرد.^(۴۷) در زمان یزدگرد ساسانی نیز «گیل گیلانشاه»، با لقب پتسخوارگری، به حکمرانی طبرستان فرستاده شد و دوره‌ای که مسلمانان بر یزدگرد پیروز شدند، فردی به نام «باو» به آتشکده‌های در آبادی کوسان (کوهستان کنونی در مغرب شهر بهشهر) طبرستان پناه برد. او در پی غارت ترک‌ها، که به خراسان و طبرستان آسیب رسانده بودند، از آتشکده بیرون آمد و این ولایت را از دشمنان پاک و حدود پانزده سال پادشاهی کرد. پس از او فردی به نام فرخان بزرگ با لشکری به طبرستان آمد و شهر (احتمالاً همیشه) را چنان بنیاد و آباد کرد که تا قبل از آن کسی آباد نکرده بود.^(۴۸) فرخان دستور داد که برگرد شهر همیشه خندقی برای جلوگیری از حمله غارتگران حفر کنند. در زمان او مسلمانان برای فتح طبرستان به این مناطق آمده بودند.

۳. طبرستان در قرن‌های نخستین اسلامی طبرستان در قرن اول قمری با لشکرکشی‌های متعدد نظامی مسلمانان که گاهی با صلح همراه بود، فتح شد. در زمان گسترش اسلام به مشرق، این ناحیه به تناوب با شورش موقت اهالی، مدتی به صورت حکومت مستقل محلی اداره می‌شد. در سال ۲۲ قمری، سوید بن مقرن (سردار عرب) پس از مکاتبه^(۴۹) با فرخان بزرگ، با لشکری به همیشه آمد.^(۵۰) شهر همیشه در سال ۳۰ قمری، در زمان خلافت عثمان، گشوده شد. محمد بن جریر طبری وقایع آن زمان را این‌گونه نقل می‌کند که، سعید بن عاص (فرمانده سپاه عرب) به هنگامی که به اهالی شهر امان داده بود، شهر را گشود و

باگشودن شهر به کشتار اهالی پرداخت.^(۵۱) گفته می‌شود که گروهی از اصحاب پیامبر (ص) همراه سعید بودند.

احمد بن یحیی بلاذری، در نیمه دوم قرن سوم قمری، در کتاب فتوح البلدان، فتح شهر تمیشه را در سال ۲۹ قمری ذکر کرده است. به نوشته او سعید بن عاص که ظاهراً حسن و حسین بن علی (ع) نیز با او بودند، به طبرستان لشکر کشید و شهرهای تمیشه و نامیه را گشود و با شهریار گرگان، در مقابل دوست درهم، صلح کرد. سعید سپس سرزمین‌های دیگر طبرستان و نیز رویان و دناوند (دماوند) را فتح کرد. هم‌چنین بلاذری به فتح ساری به دست یزید بن مهلب در زمان سلیمان بن عبدالملک (حدود سال ۹۸ قمری)، که با صلح همراه بود، اشاره می‌کند.^(۵۲) ابن اسفندیار از لشکرکشی یزید بن مهلب یاد می‌کند و می‌گوید، یزید در طی این فتح به سلیمان بن عبدالملک نامه‌ای نوشت و او را از غنائم فراوان آن‌جا آگاه کرد «چندان غنائم برداشتم که قطار شتر به شام برسد».^(۵۳) اسپولر، ایران‌شناس غربی، لشکرکشی یزید بن مهلب را نخستین اردوی جنگی بر ضد اسپهبد مازندران دانسته است.^(۵۴) بلاذری از وضع طبرستان این‌گونه یاد می‌کند که، مردم طبرستان گاه خراج می‌دادند تا روزگار مروان بن محمد که اهالی شوریدند، گاه در جنگ یا صلح بودند. ابوالعباس در این زمان، نماینده خویش را به آن‌جا فرستاد و اهالی ابتدا صلح و سپس شورش کردند و در زمان خلافت منصور گروهی از مسلمانان را کشتند.^(۵۵) پس از آن، عمر بن العلاء والی طبرستان شد و زمان خلافت مأمون، محمد بن موسی و مایزدیار (مازیار) بن قارن بر کوه‌های سخت و دشوار و درهم‌پیچیده شروین (سوادکوه) و طبرستان مسلط شدند. مدتی بعد مأمون، مازیار را والی طبرستان و رویان و دماوند کرد و نام محمد بر او نهاد. با درگذشت مأمون و در زمان خلافت المعتصم، مازیار شورش کرد و المعتصم نماینده خراسان (و گرگان)، یعنی عبدالله بن طاهر، را به جنگ مازیار فرستاد. عبدالله نیز لشکری به

فرماندهی عمویش حسن بن حسین فرستاد و چون لشکر او و لشکر محمد بن ابراهیم که المعصم روانه کرده بود، به طبرستان رسیدند، قوهیار (کوهیار) برادر مازیار نیز با آنان همراه شد و در کمین‌گاهی که قوهیار حسن بن حسین را از آن آگاه کرده بود، مازیار را، بی آن‌که جنگی درگیرد، اسیر کردند و به شهر سامرا در عراق بردند و کشتند. به‌نوشته بلاذری، بدین ترتیب همه دشت‌ها و کوه‌های طبرستان فتح شد و عبدالله بن طاهر و پس از او طاهر بن عبدالله والی آن‌جا شدند. (۵۶)

با این وصف، نخستین والی مسلمانان در طبرستان ابوالخصیب بود که به‌مدت دوسال فرمانروایی کرد و مسجد جامع ساری را در اوایل قرن دوم قمری بنا کرد.

پس از او ابوخرزیمه و در سال ۱۴۰ قمری ابوالعباس طوسی والی طبرستان شدند. ابوالعباس در طبرستان، حدود ۴۵ لشکرگاه نظامی (مَسَلَّحَه)، از جمله در شهر تمیشه، به سرپرستی شمر بن عبدالله با هزار نظامی عرب، در لمراسک با هزار نظامی، در کوسان با پانصد نظامی خراسانی، در مهروان با هزار نظامی، در اورازباد (کنار پل تجن) با پانصد نظامی طوسی و شهر ساری با پانصد نظامی از اهل جزیره برقرار کرد. (۵۷) پس از اسیر شدن مازیار، طبرستان جزو متصرفات طاهریان شد. بدین ترتیب طبرستان حدود ۲۶ سال (از ۲۲۴ تا ۲۵۰ قمری) تابع خراسان بود و والیان خراسان بر آن حکمرانی کردند. اشیپور، طبرستان را در این دوره درگیر تهاجمات خارجی و منازعات داخلی وصف کرده است. در سال ۲۵۰ قمری، که اهمیت خاصی در تاریخ طبرستان دارد، حسن بن زید ملقب به داعی کبیر به درخواست اهالی طبرستان قیام کرد و موجب استقلال طبرستان و نیز پیدایش مذهب زیدیه شد. سه‌سال بعد خلیفه المعتز بالله، موسی بن بَغَاکبیر را برای فرونشاندن اهالی دیلم و طبرستان فرستاد. (۵۸)

در زمان محمد بن زید که به مذهب تشیع اهمیت خاصی داده می‌شد، مشهد

امامان شیعه نظیر امام علی (ع) و امام حسین (ع) و چند زیارتگاه شیعی دیگر با حمایت محمد بن زید عمارت مختصری شد و بدین ترتیب پس از متوکل عباسی، که به قبر ائمه آسیب رساند، او نخستین کسی است که آن‌جا را آباد کرد. در حدود سال ۲۶۰ قمری، یعقوب لیث صفاری به طبرستان لشکر کشید و در دوره سامانیان، محمد بن هارون که پس از گرگان به ساری و آمل آمده بود، یک سال و شش ماه حکومت کرد، تا این که سید ناصر کیا (ناصرالحق از علویان) که از ناحیه دیلمان در مغرب طبرستان قیام کرده بود، فرمانروای طبرستان (در سال‌های ۳۰۱ تا ۳۰۴ قمری) شد و بر آمل نشست. در اواخر این قرن روس‌ها با شانزده کشتی به حدود طبرستان آمده و با اهالی طبرستان جنگیده‌اند. (۵۹)

۴. اوضاع طبرستان در کتاب‌های جغرافیایانویسان قرن‌های سوم و

چهارم ابن خردادبه، که از جغرافیایانویسان مشهور قرن سوم قمری است، در قسمت «وصف جری» (= ریع شمال) کتابش مطالبی از طبرستان آورده است. او طبرستان را مشتمل بر شهرهای رویان، آمل، ساریه (ساری)، شالوس (چالوس)، لازر، شُرُز، طمیس (تمیشه)، دهستان، کلار، گیلان و بدشوارگر دانسته و پادشاه آن‌جا را ملقب به «گیل گیلان و... خراسان» ذکر کرده است. (۶۰)

در سال ۲۹۰ قمری، یعقوبی، مؤلف کتاب *البلدان*، طبرستان را سرزمینی مستقل دانسته است. به‌نوشته او طبرستان مملکتی است باشکوه و پیوسته که شاهش «سپهبد» نامیده می‌شود. این‌جا همان سرزمین مازیار است که به خلفا (مأمون و معتصم) می‌نوشت، «از گیل گیلان اسپهبد خراسان، مازیار محمد بن قارن موالی امیرالمومنین». یعقوبی هم‌چنین طبرستان را سرزمینی با دره‌های بسیار، باروهای استوار و مردم آن‌جا را اشراف عجم و شاهزاده وصف کرده است. به‌نوشته او خراج طبرستان چهار میلیون درهم است و در آن‌جا فرش و پوشاک طبری تولید می‌شود. (۶۱) تقریباً هم‌زمان با یعقوبی، ابن رسته نوشته

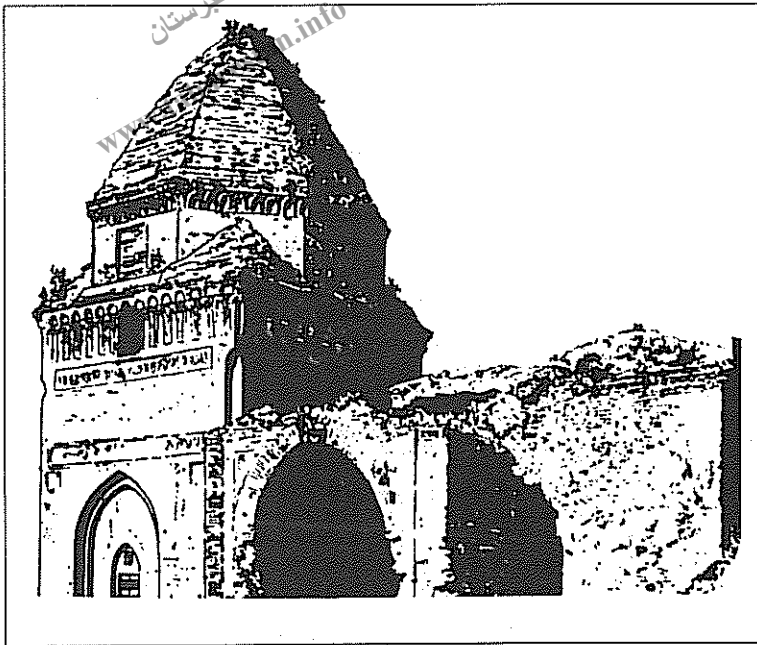
است، طبرستان در مغرب گرگان و قومس (سمنان کنونی) و مشرق دیلم، به طول ۵۰ فرسخ و عرض ۳۶ تا ۴۰ فرسخ، قرار گرفته است. طبرستان مشتمل بر چهارده شهر (از جمله ساری، مامطیر، مهران، ناتل) است و تماماً آباد و دهکده‌ها و مزارع و چراگاه‌هایش متصل به یکدیگرند. کرسی و مرکز آن ناحیه آمل است و از اهالی طبرستان کسی نمی‌تواند به گرگان برود یا از گرگان به طبرستان بیاید، مگر آن‌که از دروازه شهر همیشه (شهری پرجمعیت و دارای مسجد جامع در آن زمان)، که در سرحد گرگان واقع شده، بگذرد. هم‌چنین ابن رسته به دیواری آجری از کوه تا دریا در همیشه و منسوب به انوشیروان ساسانی، اشاره می‌کند. (۶۲)

طبرستان که در اواخر قرن سوم قمری در حاکمیت سامانیان بود، به دست علویان (ناصرالحق) افتاد. اشپولر بر این باور بود، دولت سامانیان در قرن چهارم قمری پس از ماوراءالنهر و خراسان به تیولداری گرگان و طبرستان محدود مانده بود. (۶۳)

در سال ۳۷۲ قمری مؤلف کتاب *حدودالعالم*، طبرستان را ناحیتی بزرگ میان چالوس و تمیشه به مرکزیت آمل ذکر کرده است. به‌نوشته او این ناحیه آبادان، با نعمت بسیار و دارای بازرگانان زیاد است و اهالی بیشتر نان برنج و ماهی می‌خورند. بام خانه‌هایشان سفالی و از بسیاری باران سرخ است. (۶۴) در قرن چهارم قمری، وشمگیر از آل بویه که قلعه لارجان و سپس آمل را فتح کرده بود، فرمانروای طبرستان شد و از ۳۲۹ تا ۳۵۷ قمری بر آن‌جا حکمرانی کرد. پس از او بیستون (فرزند بزرگش) و سپس قابوس بن وشمگیر تا اوایل قرن پنجم قمری (سال ۴۰۳ ق) در طبرستان حاکمیت داشتند. (۶۵)

در قرن چهارم قمری اصطخری و ابن حوقل نیز مطالبی از طبرستان آورده‌اند. اصطخری در ذکر دیار طبرستان و دیلم، طبرستان را سرزمینی هامون (دشت) و دارای کشاورزی و دامداری دانسته است. به‌نوشته او شهرهای آمل،

ناتل، سالوس، کلار، رویان، میله، برجی، چشمه‌اهلم، ممطیر، ساری، مهران، لمراسک و تمیشه در شمار طبرستان است و اهالی زبانی دارند که نه تازی است و نه پارسی، و بیشتر مردم آن‌جا نحیف و سبکبارند و تا زمان حسن بن زید کافر بودند.^(۶۶) ابن حوقل نیز در کتاب *صورة الارض* آمل را بزرگ‌ترین شهر و



تصویر ۵. امامزاده زین‌العابدین در ساری

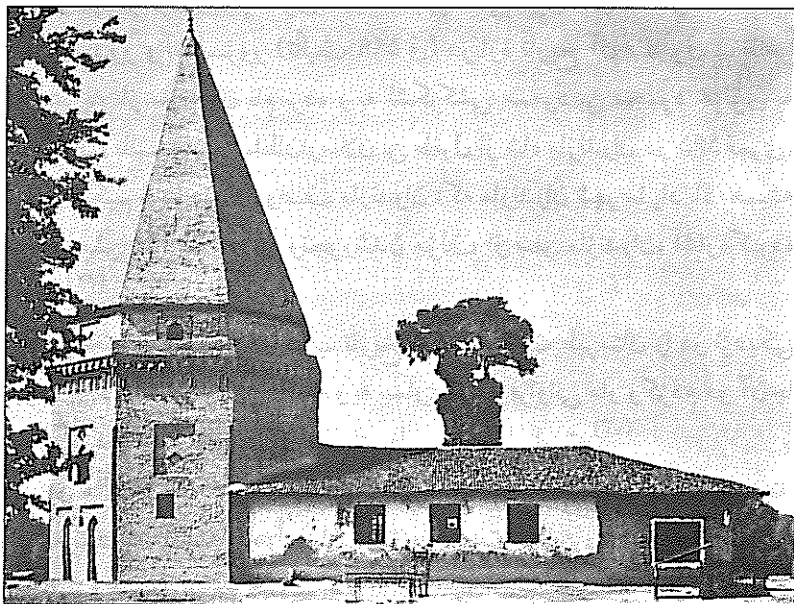
حاکم‌نشین طبرستان دانسته است. به‌نوشته او، طبرستان سرزمینی پرآب و میوه است و درختان بزرگ، بیشه و جنگل، بناهایی از چوب و نی و اقلیمی پرباران دارد. ابن حوقل ابریشم طبرستان را که به دیگر نقاط صادر می‌شد، میان کشورهای اسلامی و کفر، منحصر به فرد دانسته است. او مردم آن‌جا را پرمو و پیوسته‌ابرو، دارای سرعت تکلم، با خوراک نان برنج، ماهی و سیر با لباس‌های

بی نظیر وصف کرده است. به نوشته او در سراسر طبرستان رود قابل کشتی رانی نیست و فاصله دریا کمتر از یک روز راه است. او از پنبه و طلای طبرستان و نیز مسافات و مالیات آن جا مطالبی آورده می نویسد، عایدی طبرستان سال های دراز است که به دست نمی آید، زیرا این سرزمین میان حکمرانان دست به دست می گردد. (۶۷)

۵. اوضاع طبرستان از قرن پنجم تا حمله مغول پس از درگذشت قابوس بن وشمگیر در اوایل قرن پنجم قمری، خلیفه عباسی، طبرستان و گرگان و قومس را به منوچهر بن قابوس واگذار کرد و او تا سال ۴۲۴ قمری فرمانروایی کرد. منوچهر در لشکرکشی سال ۴۲۰ قمری سلطان محمود غزنوی به طبرستان، به لشکر او پیوست. (۶۸) در سال ۴۳۳ قمری، سلجوقیان بر طبرستان حاکم شدند. (۶۹) در ۴۴۱ قمری، که با کالیجار (فرزند منوچهر و فرمانروای طبرستان) وفات یافت، کیکاووس، مؤلف کتاب قابوسنامه، حاکم کوهستانات و والی طبرستان شد. (۷۰) برج لاجیم (در ۲۴ کیلومتری شهر ساری)، رسکت (در ۴۸ کیلومتری شهر ساری)، برج رادکان و محل چمن ساور از مراکز مربوط به اواخر قرن پنجم قمری و یادگار طبرستان در آن زمان هستند.

در اوایل قرن ششم قمری، اسپهبد قارن نجم الدوله فرمانروای طبرستان شد و از سال ۵۰۱ تا ۵۰۸ قمری حکمرانی کرد. از ۵۰۸ تا ۵۱۱ قمری رستم باوند (فخرالملوک) حاکم طبرستان شد. او گاهی هدایایی برای غیاث الدین محمد سلجوقی، به اصفهان، می فرستاد. از جنگ های این قرن می توان به نبرد سال ۵۲۱ قمری میان مسعود، فرستاده سلطان سنجر سلجوقی، و علا الدوله علی، که در ۵۱۲ قمری فرمانروای طبرستان شد، اشاره کرد که در شهر تمیشه روی داد. به گفته ابن اسفندیار، عاقبت در این جنگ باد گرم برخاست و شهر تمیشه آتش گرفت و چنان بسوخت که خلایق نماند. (۷۱) از سال ۵۳۳ تا ۵۵۸ قمری، نصرالله

شاه غازی رستم، فرمانروای طبرستان شد. او آن‌جا را نظم و ترتیب خاصی داد. شاه غازی رستم برای اعتلای بازرگانی و اقتصاد طبرستان می‌کوشید و نمایندگان تجاری در بعضی شهرها از جمله خوارزم، بغداد و مکه داشت. در زمان او و به فرمانش، چهارصد دستگاه کشتی تجاری ساخته و فعال شد. شاه غازی در ساختن مساجد، مدارس و نیز امور راهداری و راهسازی هم کوشا بود. به‌دستور او راه همیشه تا گیلان و راه‌های اصلی دیگر طبرستان سنگفرش و بر رودهای مهم طبرستان، پل‌هایی از آجر و آهک ساخته شد. گنجینه زر و سیم او بزرگ‌ترین گنجینه طبرستان تا آن زمان بود. شاه غازی رستم، بزرگ‌ترین پادشاه باوندیان بود که علاوه بر طبرستان، حاکمیت جاجرم، گرگان، بسطام و دامغان را نیز در دست داشت.



تصویر ۶. امامزاده عباس در ساری

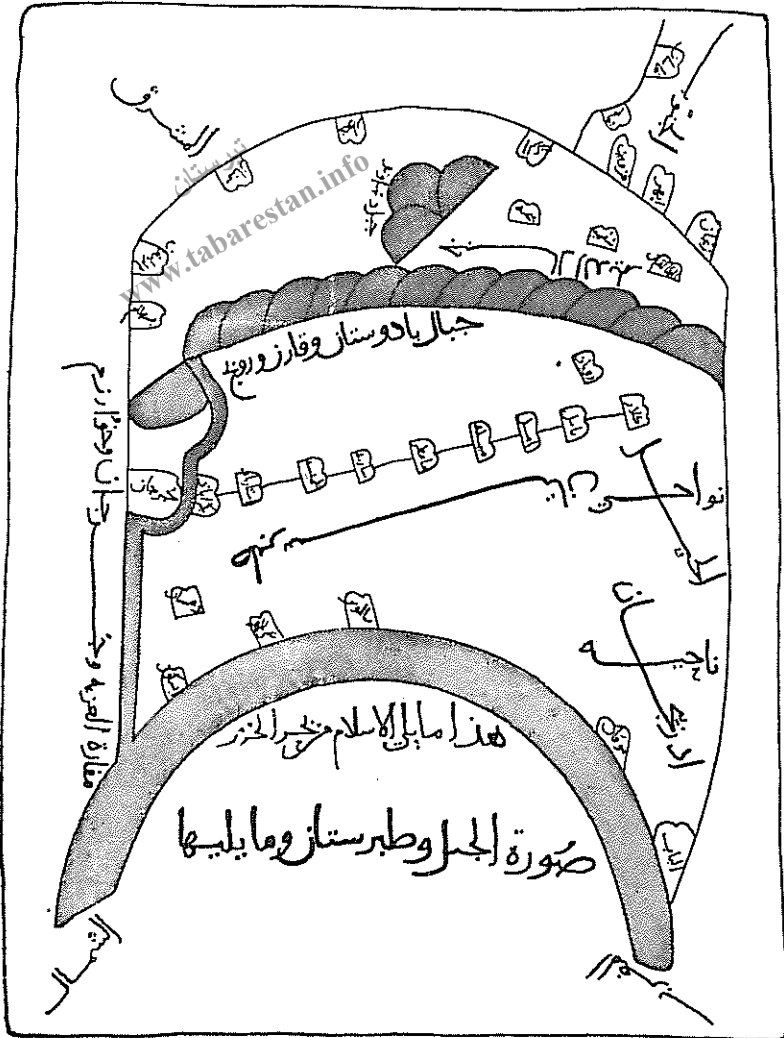
جدول شماره ۱۲. زمان پادشاهی باوندیان در طبرستان

نام	زمان فرمانروایی (سال قمری)
۱ شهریار حسامالدوله	۴۶۶ - ۵۰۱
۲ قارن نجمالدوله	۵۰۱ - ۵۰۸
۳ رستم شمس الملوک	۵۰۸ - ۵۱۱
۴ علی علاءالدوله	۵۱۲ - ۵۳۳
۵ رستم شاه غازی	۵۳۳ - ۵۵۸
۶ حسن علاءالدوله	۵۵۸ - ۵۶۸
۷ اردشیر حسامالدوله	۵۶۸ - ۶۰۲
۸ رستم شمس الملوک	۶۰۲ - ۶۰۶

در اواخر قرن ششم قمری، محمد بن علی الراوندی - مؤلف کتاب *راحة الصدور و آية السرور* (تألیف ۵۹۹ ق) درباره تاریخ آل سلجوق - ظاهراً نخستین بار از مازندران نام برده و به لشکرکشی مسعود بن محمود غزنوی به مازندران، طلب لشکر سلطان ارسلان بن طغرل از شاه مازندران در ۵۶۵ قمری، اشعار حکیم فردوسی در وصف مازندران «که مازندران شهر ما یاد باد/ همیشه بر و بومش آباد باد» و نیز رنجور شدن مؤلف از سفر مازندران، اشاره کرده است. (۷۲)

ابوالحسن بیهقی نیز در کتاب *تاریخ بیهقی*، ولایت طبرستان را در نزدیکی جیلان و دیلمان و قومس دانسته و به بیماری ویا و فراوانی مار و کژدم در آنجا اشاره کرده است. به نوشته او ام القرای طبرستان آمل است. (۷۳)

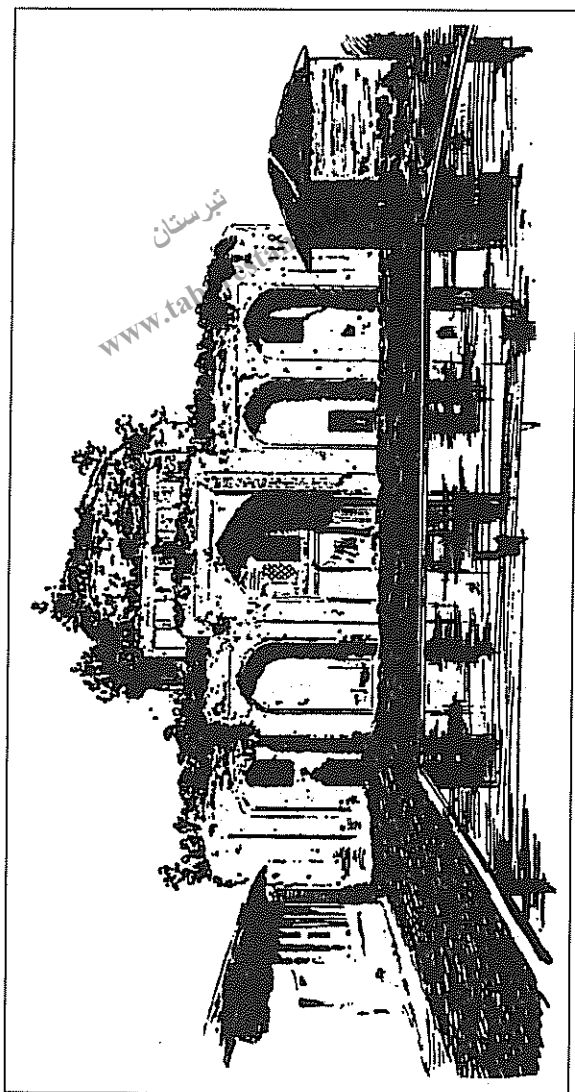
در سال ۶۱۳ قمری ابن اسفندیار، شهرهای طبرستان را واقع در درون دریند همیشه - دریند همیشه ظاهراً همان دروازه‌ای است که ابن رسته از آن یاد کرده است - و مشتمل بر دو قسمت شهرهای هامون (دشت) و شهرهای کوهستانی ذکر کرده است. به نوشته او شهرهای طبرستان شامل آمل، ساری، مامطیر،



تصوير ۷. نقشه ديلم و طبرستان

رودبست، آرم، تریجه، میله، مهروان، اهلم، پای دشت، ناتل، کنو، شالوس، محوری، لمراسک، تمیشه در دشت و الجمه، شارمام، لارجان، امیدارکوه، کلار، رویان، نمار، کجویه، ویمه، شلنبه، وفاد، پزیم و هزارگری در کوهستان است و همه شهرها مسجد جامع و مصلی و بازارها و قضاة و علما دارد. ابن اسفندیار، طبرستان را در فصل زمستان مانند پاییز جاهای دیگر و در فصل تابستان مانند بهار سرزمین های دیگر دانسته و در ذکر عجایب آن جا از گنبد مخروط دماوند، که همیشه پوشیده از برف است، یاد کرده است. (۷۴)

به نوشته او، مامطیر (بابل کنونی) را بدان سبب به این نام گویند که آبگیرها و مرغان و شکوفه ها و ارتفاع بقعه نزدیک به ساحل آن جا، زمانی که به نظر امام حسن (ع) - که ظاهراً زمان خلافت عمر به این ولایت آمده بود - دلگشا آمده، فرمودند «بقعه طيبة ماء و طير» و از آن تاریخ در آن جا مختصر عمارت و بعدها آبادانی بیشتری شد و به این نام مشهور گشت. (۷۵) در اوایل قرن هفتم قمری طبرستان حوادث گوناگونی را پشت سر گذاشت. با کشته شدن اسپهبد رستم شمس الملوک در سال ۶۰۶ قمری، محمد خوارزم شاه که پیوسته به این ناحیه طمع داشت، متوجه مازندران شد و با کشتن یکی از امرای محلی کبودجامه - ناحیه ای در مشرق طبرستان - آن جا را تصرف کرد و حدود ده سال بعد سپاه مغول که با مقاومت اهالی مازندران روبه رو نشد، به این سرزمین آمد و در ساری، رویان و آمل کشتار همگانی کرد. لشکر مغول که از ۶۱۷ تا ۶۲۵ قمری دوبار به طبرستان آمد، هربار در سر راه خود جمع بسیاری را کشت و شهرها را نابود کرد. از جمله شهر کهنسال و پرجمعیت تمیشه را چنان ویران کردند که دیگر اثری از آن نماند. به نوشته منهاج السراج در کتاب طبقات ناصری که در سال ۶۱۷ قمری - دوره مغول - تألیف شده است، مغول به طلب سلطان خوارزم شاه به طبرستان و مازندران لشکر کشید. (۷۶)

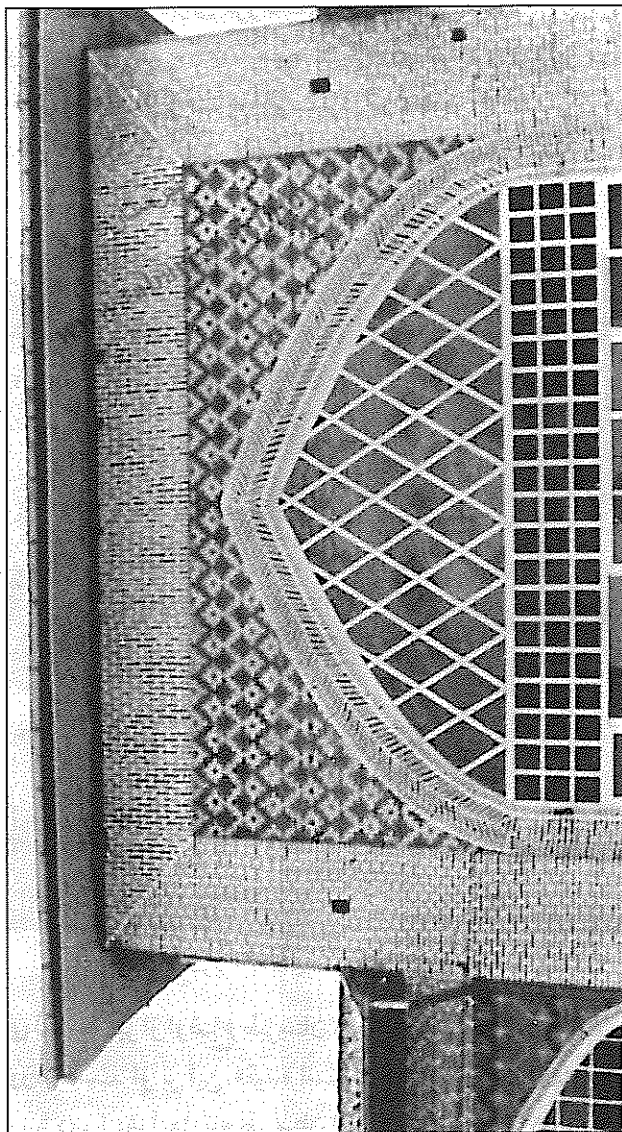


تصویر ۸. طرحی که دهرگان در سال ۱۳۰۷ ق از شهر میر رسم کرده بود.

تقریباً هم‌زمان با دوره مغول، یعنی در سال ۶۲۳ قمری، یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان از مازندران به تفصیل سخن گفته و نوشته است، این ناحیه مجاور گیلان و دیلمان و بین ری و قومس از یک طرف و دریا از طرف دیگر قرار گرفته است. هم او، آمل را مرکز مازندران دانسته و طول آن‌جا را از جرجان تا رویان ۳۶ فرسخ ذکر کرده است. به فتوحات مسلمانان در طبرستان، از جمله فتح سال ۲۹ قمری و قیام حسن بن زبیه در سال ۲۴۹ قمری، نیز اشاره کرده است. (۷۷)

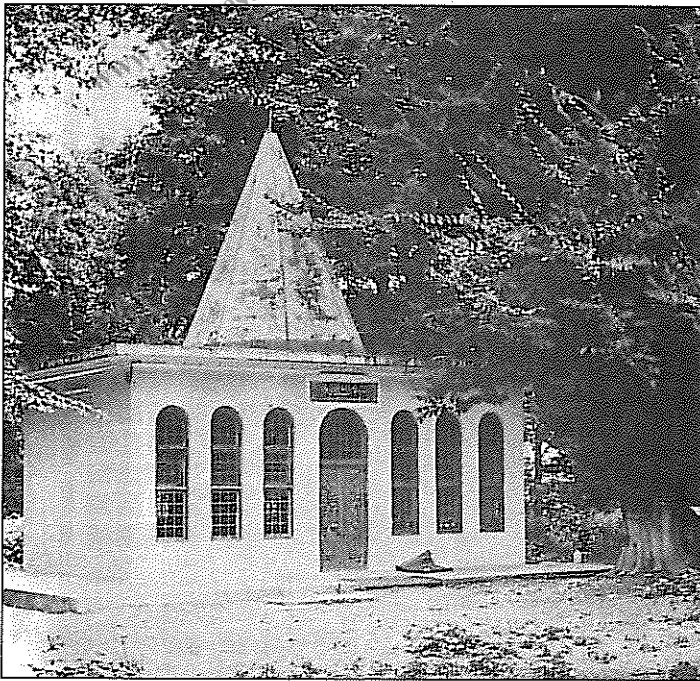
عظاملک جوینی نیز از هجوم مغول‌ها به مازندران سخن گفته و به وقایع سال ۶۳۰ قمری به حکمرانی نماینده قآن مغول، یعنی نصرت‌الدین، در قسمتی از مشرق مازندران (در ناحیه‌ای از کیودجامه در درون دربند همیشه تا بیرون همیشه و استراباد) اشاره کرده است. (۷۸) به استناد این مورخان در سال ۶۵۱ قمری، مغول‌ها مازندران را ویران کردند و در سال ۶۶۶ قمری نیز رویان دوباره به دست مغول‌ها ویران شد. (۷۹) مرعشی ویرانی رویان را بی سابقه وصف می‌کند و می‌نویسد، قآن مغول، ملک شمس‌الدین را (که میان سال‌های ۶۴۷ تا ۶۶۴ قمری فرمانروای مازندران بود) به قتل رساند و برادرش علاءالدوله‌علی را بر تخت نشاند. در این زمان امرای مغول تمام مازندران را تصرف کرده بودند. (۸۰)

اشپولر از اوضاع طبرستان در قرن‌های نخستین اسلامی، با استفاده از منابع آن زمان، مطالبی نقل کرده است. به نوشته او لهجه‌های ایرانی این ناحیه، برای سایر ایرانیان قابل فهم نبود و ازدواج و آداب و رسوم آن به صورت بومی برقرار بود. در این ناحیه بازارهای هفتگی در بعضی نقاط معمول بود و در شهر همیشه برای آب آشامیدنی از قنات استفاده می‌کردند (که در نوع خود حایز اهمیت است). طبق مطالب اشپولر، ناحیه گرگان نیز از سال ۹۸ قمری تابع خراسان بود، اما بعدها به طبرستان پیوست. اشپولر از اوضاع اقتصادی و محصولات طبرستان در قرن‌های نخستین اسلامی نیز سخن می‌گوید و این‌که در



تصویر ۹. سردر ورودی مسجد جامع بابل

این زمان‌ها طبرستان دارای مزرعه‌های کشت برنج (عمدتاً با آبیاری مصنوعی)، باغ‌های سیب و گلابی، کتان، سیر، کارگاه‌های ابریشم‌بافی در ساری و آمل، مزرعه‌های کشت پنبه، و صنایع چوب بود. در معادن آن آهن و گوگرد استخراج می‌کردند و صادرات قالی، و صدور مواد غذایی از جمله روغن در آن‌جا رواج داشت. (۸۱)



تصویر ۱۰. بنای امامزاده قاسم در لیتکوه

گای لسترنج نیز از اوضاع طبرستان و مازندران در قرن‌های اسلامی سخن به میان آورده است. او بر این عقیده است که، ظاهراً از قرن هفتم قمری، تقریباً مصادف با دوره مغول‌ها، نام طبرستان از استعمال افتاده و کلمه مازندران جای

آن را گرفته است و یاقوت حموی نخستین مورّخی است که نام مازندران را در اثرش آورده است. به‌نوشته لسترنج این ناحیه در اوایل دورهٔ خلفا از لحاظ سیاسی اهمیت چندانی نداشت زیرا آخرین ناحیهٔ کشور ایران بود که به دین اسلام درآمد. در اواخر دوران خلفای عباسی، کرسی طبرستان آمل بود، هرچند در قرن سوم قمری طاهریان در ساری اقامت داشتند. بندرگاه آمل در مصب رود آمل [هراز] «شهرچه» ای بود موسوم به «عین‌الهم» و آمل در پایان قرن هشتم قمری به‌دست امیر تیمور ویران شد. دومین کرسی قدیم طبرستان شهر ساریه در خاور آمل، بود.^(۸۲) لسترنج از آثار جغرافیایان و مورّخان آن زمان از جمله قزوینی، مقدسی، ابن حوقل، یاقوت حموی و حمدالله مستوفی مطالبی از اوضاع اجتماعی و اقتصادی مازندران نقل می‌کند و از شهرها و نواحی کوهستانی آن‌جا و اوضاع آنها در قرن‌های نخستین اسلامی خبر می‌دهد.

۶. بررسی‌های سکه‌شناسی دربارهٔ سکه‌ها و ضرب سکه در طبرستان،

در دوره‌های قبل از اسلام و نیز دورهٔ فتح مسلمانان نیز مطالبی در برخی کتاب‌ها آمده است. بررسی مطالبی که در این زمینه نوشته شده به ماکمک می‌کند تا هم به اهمیت ضرب سکه در طبرستان، پی بریم و هم با تاریخ اواخر دورهٔ ساسانی و اوایل دورهٔ اسلامی بیشتر آشنا شویم. از اسپهبدان قبل از اسلام، نام فرخان بزرگ، دادبرزمهر و خورشید بر سکه‌هایی که به‌دست آمده است، دیده می‌شود. «انولا» که دربارهٔ سکه‌شناسی طبرستان سال‌ها پژوهش کرده، محل ضرب سکه‌ها را شهر ساری می‌داند. لیکن ضرب نمونه‌های بعدی سکه که متعلق به دورهٔ اسلامی است، ظاهراً در شهر آمل صورت گرفته است. نام طبرستان نیز در سکه‌های دورهٔ اموی، برای اولین بار در سال ۱۰۲ قمری حک شده است. هرچند در این زمان طبرستان به فتح کامل مسلمانان درنیامده بود.^(۸۳)

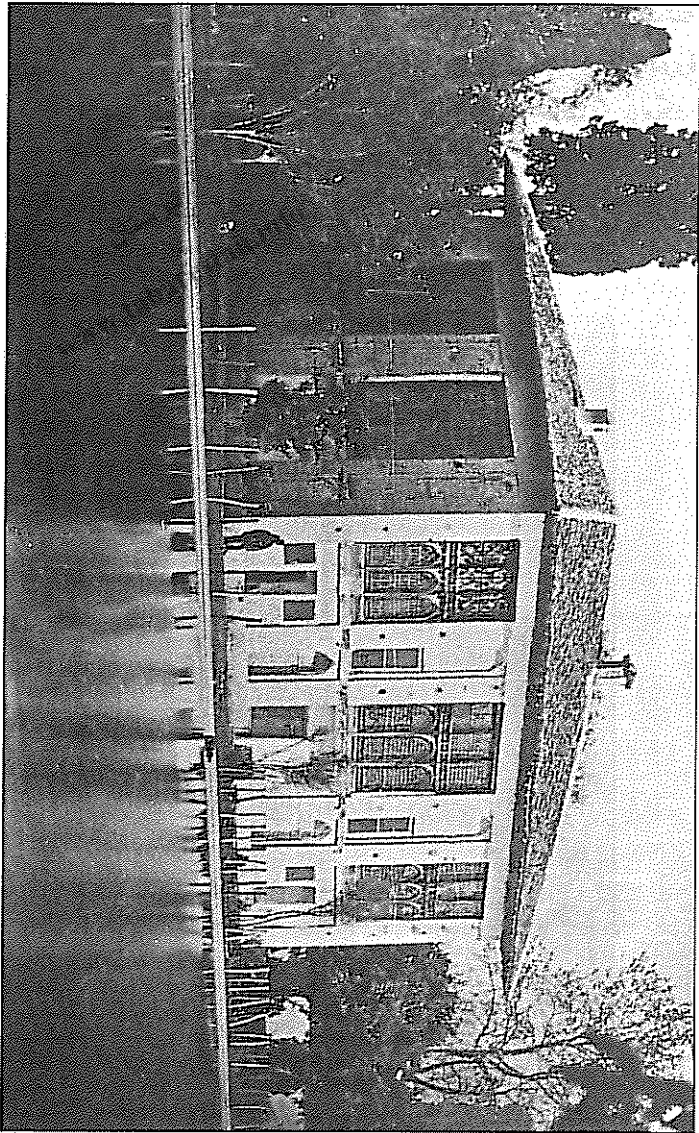


تصویر ۱۱. سکه‌های کشف شده در مازندران

در دوره اسلامی، حکام خلفای عرب، تا سال ۱۷۹ قمری به رسم گذشته سکه ضرب می‌کردند و شکل سکه‌های آنان، هم‌چنان مانند سکه‌های دوره ساسانی بود. از سکه‌های این دوره، سکه‌های مربوط به زمان خالد بن برمک، عمر بن علا رازی و سعید بن دعلج مشهورتر از بقیه است و بیش از همه کشف شده است. از یافته‌های باستان‌شناسی طبرستان، علاوه بر سکه‌ها، می‌توان به ظروف (بشقاب و کاسه‌های نقره‌ای) و انواع مهر اشاره کرد. (۸۴)



تصویر ۱۲. بقعه درویش فخرالدین در بابل



تصویر ۱۳. عمارت پادشاه در ساری

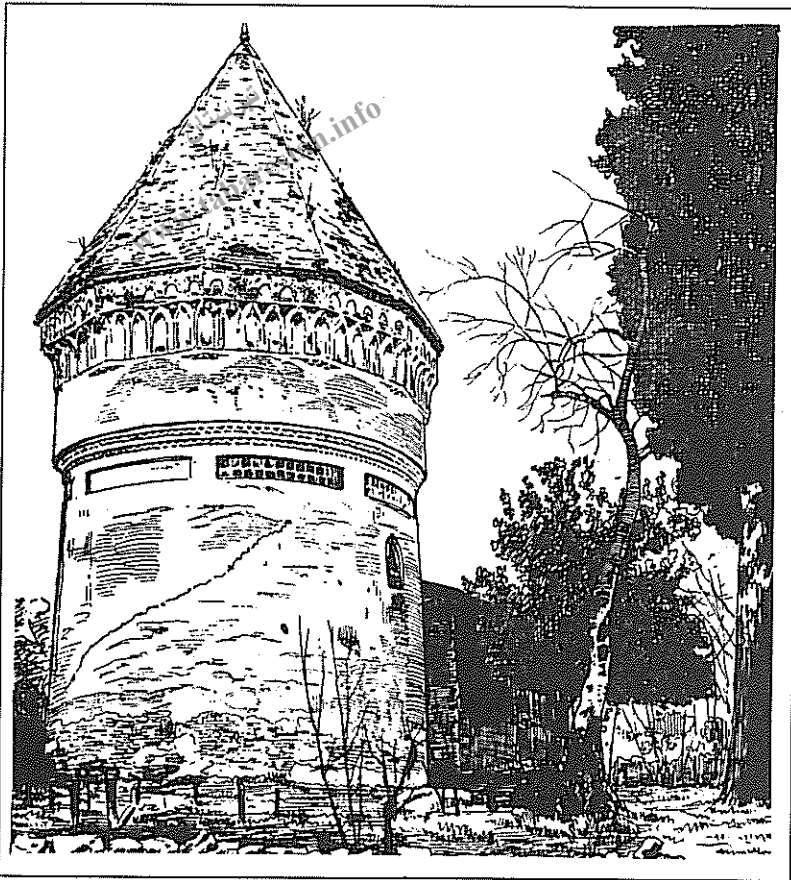
فصل چهارم

از حمله مغول تا آغاز دوره قاجاریه

در دوره مغول، که علاءالدوله علی (در سال ۶۶۴ ق) به فرمانروایی مازندران رسید و تا سال ۶۷۵ قمری حکومت کرد، مازندران، پس از ویرانی، به نسبت آرام بود. پس از علاءالدوله، ملک تاجالدوله یزدجرد بن شهریار حاکم مازندران شد و سراسر ناحیه مازندران را تا سرحد تمیشه، در مشرق، تصرف کرد. او شهر آمل را آباد کرد به نحوی که حدود هفتاد مدرسه داشت. با وفات تاجالدوله در سال ۶۹۸ قمری، پسرش نصرالدوله والی مازندران شد و تا اوایل قرن هشتم (سال ۷۱۴ ق) حکمرانی کرد. در سال ۷۲۸ قمری، که تاجالدوله فرزند نصرالدوله وفات یافت، شمس الملوک حاکم شد و پس از شش سال، در سال ۷۳۴ قمری، برادرش ملک سعید، حکومت را به عهده گرفت. (۸۵)

در همین سال سربداران - که با رهبری امیرمسعود سربدار، در قریه باشتین سبزوار قیام کرده بودند - آهنگ مازندران کردند و شهر آمل را تصرف کردند. (۸۶) مرعشی نوشته است، پس از واقعه سربداران، در آمل و با شایع شد و بسیاری را کشت. در سال ۷۴۰ قمری، حمدالله مستوفی که درباره وجه تسمیه مازندران اظهار نظر کرده، مازندران را مشتمل بر هفت تومان (از تقسیمات مملکتی) جرجان، موروستاق، استراباد، آمل و رستمدر، دهستان، روغذ و تومان سیاه رستاق ذکر کرده که همراه با طبرستان [۲] و خراسان و قهستان و

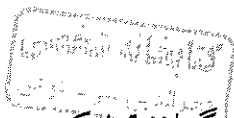
قومس «مملکت علی حده» خوانده می‌شده است. او به کوه قارن و معدن لاجورد در مازندران نیز اشاره کرده است. (۸۷)



تصویر ۱۴. طرح دمرگان از امامزاده قاسم در قائم‌شهر

۱. نهضت سیدقوام‌الدین مرعشی از نیمه قرن هشتم قمری تا ده سال بعد کیا فراسیاب چلابی (از افراسیابیان که از ۷۵۰ تا ۹۰۹ قمری در مناطقی از

مازندران فرمانروایی می‌کردند) در آمل حکمرانی می‌کرد. کیاافراسیاب در این مدت یکبار برای توبه از اقدامات خود، به نزد سیدقوام‌الدین مرعشی، که نسبش به امام‌زین‌العابدین (ع) می‌رسد، رفت و سیدقوام، پس از آن‌که سر او را تراشید و کلاه درویشی بر سر او نهاد، او را به مریدی قبول کرد. در این زمان‌ها، اعتقاد اهالی - که سادات را مقتدای خود می‌دانستند - به سادات مرعشی بیشتر شد و کیاافراسیاب که وضع را چنان دید، سر تافته و سیدقوام‌الدین را مدتی زندانی کرد. در سال ۷۶۰ قمری، کیاافراسیاب با گروهی به قصد جنگ با سیدقوام‌الدین حرکت کرد و در نبردی که میان یاران آن دو روی داد، کیاافراسیاب و سه فرزندش کشته شدند و بقیه به آمل گریختند.^(۸۸) بدین ترتیب قیام سادات مرعشی در مازندران شکل گرفت و با تسلط سیدقوام‌الدین بر شهر آمل، که به گفته مرعشی با صلوات و تکبیر همراه بود، مرحله جدیدی که از اواسط قرن هشتم تا اواخر قرن دهم قمری ادامه داشت، در این سرزمین آغاز شد. با تحکیم اوضاع مازندران در سال ۷۶۳ قمری و با نظر سیدقوام‌الدین، سیدرضی (فرزند سوم او)، حاکم آمل شد. در مدت کوتاهی پس از حاکم شدن سیدرضی، میان لشکر سادات و یاران حاکم ساری (کیافخرالدین جلال) و نیز با کیاوشتاسف جلال، که مقر آنها قلعه توجی، که پس از ویرانی به دست مغول‌ها در سال ۷۴۶ قمری، دوباره احیا شده بود، در کنار باولرود (رود بابل) نبردی روی داد که حاکمان ساری و قلعه توجی گریختند.^(۸۹) پس از این نبرد، فردی به نام امیرحسن دوله (فرستاده کیاوشتاسف) با لباس درویشی نزد سیدعبدالله (فرزند بزرگ سیدقوام‌الدین) رفت و او را کشت. سادات در صدد انتقام برآمدند و با لشکری مجهز، به فرماندهی سیدقوام‌الدین، در نبردی نزدیک سرحد بارفروش (بابل کنونی) یاران کیاوشتاسف را شکست دادند و با پیشروی و نیز فتح ساری، به ضبط اموال و غنائیم آن‌جا پرداختند. کیاوشتاسف هم در قلعه توجی به دست سادات مرعشی کشته شد. در سال ۷۷۳ قمری، سیدعلی کیا



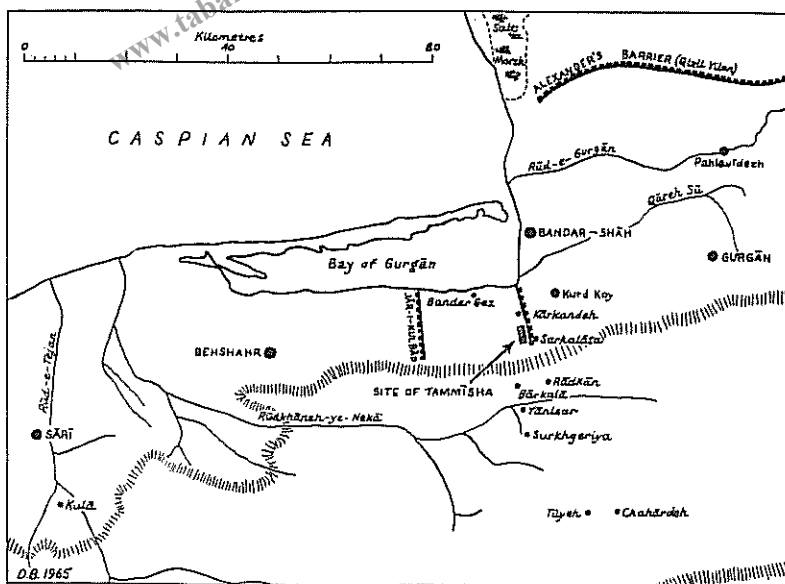
فرزند سیدامیر کیا که در گیلان قیام کرده بود، با یارانش به ملاقات سیدقوام‌الدین آمد. مرعی ملاقات آن دو را طلوع دو آفتاب در مازندران - یکی از مشرق و دیگری از مغرب - وصف کرده است.

سادات پس از تسلط بر دشت مازندران متوجه قلاع کوهستانی شدند و با چند لشکرکشی، قلعه معتبر فیروزکوه را، که در اختیار کیا جلال متمیر بود، فتح کردند و سپس درصدد فتح مملکت رستم‌ناره که در اختیار ملک قباد بود، برآمدند. هم‌چنین سادات مرعی در حدود سال ۷۸۲ قمری، بر تمامی نواحی رستم‌ناره کجور، قلعه نور، لار و قصران (از نواحی کوهستانی شمال تهران)، لواسان و لارجان تسلط یافتند. سیدقوام‌الدین مرعی نیز در سال ۷۸۱ قمری وفات یافت و جسد او را در آمل به خاک سپردند.^(۹۰) امروزه قبر او به نام بقعه میربزرگ، زیارتگاه اهالی است. از مؤلفان قرن هشتم قمری مازندران، اولیاءالله آملی در کتاب تاریخ رویان که تا وقایع سال ۷۶۴ قمری را در بر دارد، خاک رویان را میان رودهای چالوس در مغرب و رود هراز در مشرق و مشتمل بر یازده منطقه ذکر کرده است.^(۹۱) در اواخر قرن هشتم قمری امیر تیمور آهنگ مازندران کرد و میان لشکر او و سپاهیان مازندران، نبرد سختی، در صحرای قراطغان (تقریباً منطبق بر دشت شمال شهرستان کنونی بهشهر)، روی داد.^(۹۲)

در سال ۷۹۵ قمری، پس از آن که میان تیمور و سادات در قلعه ماهانه سر صلح برقرار شد، امیر تیمور قلعه را فتح کرد و متوجه ساری شد، که به گفته مرعی وضع چندان مناسبی نداشت. او در سال ۸۰۲ قمری حاکمیت مازندران را به اسکندر شیخی واگذار کرد.^(۹۳) رابینو حکومت اسکندر شیخی را در آمل از ۷۹۵ تا ۸۰۵ قمری و حکومت ابن غارن غوری و سپس فرزندش شمس‌الدین را در ساری از ۷۹۵ تا ۸۰۹ قمری ذکر می‌کند.^(۹۴) در سال ۸۱۴ قمری میان یاران سیدعلی کیا حاکم وقت ساری و سیدعلی حاکم آمل نزاعی روی داد. سیدظهیرالدین، مؤلف کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، نوشته است،

از حمله مغول تا آغاز دوره قاجاریه ۶۳

در سال ۸۴۰ قمری، در پی نامه‌های اهالی ساری، سید کمال‌الدین (از نوادگان سادات در آمل) و نیز نامه ملک کیومرث (ظاهراً نماینده امیر تیمور در مازندران)، که از او خواسته بودند با لشکریانش به مازندران بیاید، با یارانش ابتدا به رستمدار و سپس به آمل و در ادامه به بارفروش ده رفت و متوجه ساری شد. (۹۵) بارتولد نوشته است، بعد از تیمور، سادات اجازه مراجعت به مازندران گرفتند و تا اواخر قرن دهم قمری باقی ماندند. (۹۶)



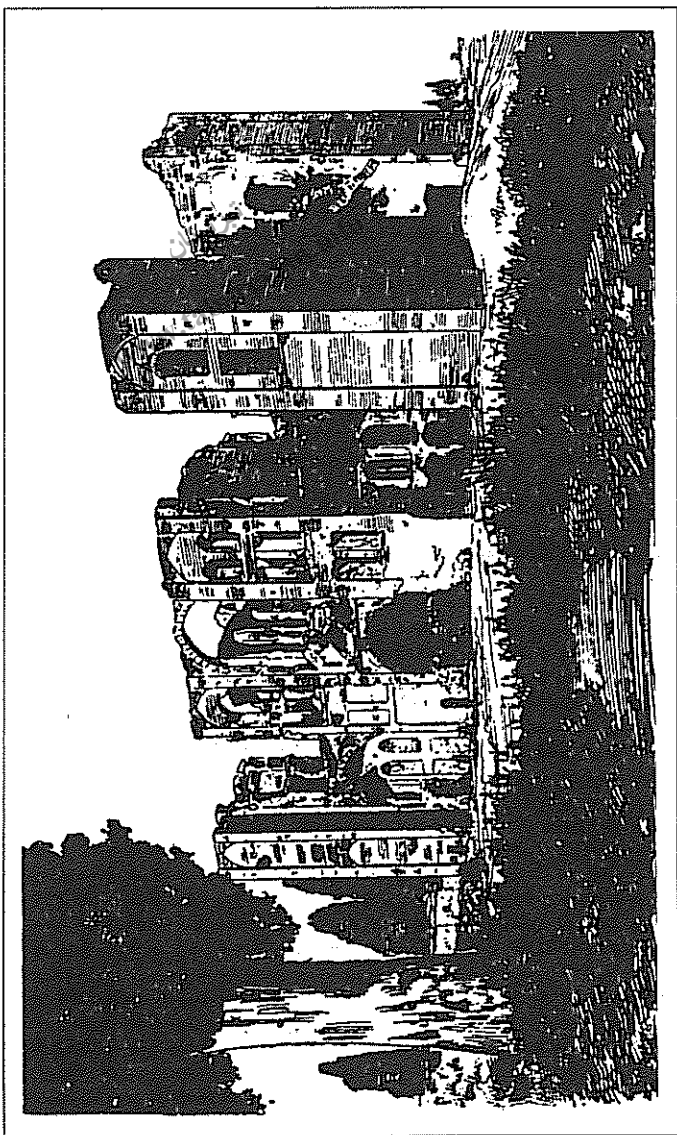
تصویر ۱۵. موقعیت دیوار تمیشه در شرق مازندران

مرعشی که کتابش را در سال ۸۹۲ قمری به پایان برد، حدود مازندران را بیشه‌انجدان (ظاهراً سرحد تمیشه قدیمی) در مشرق و حد غربی رویان (نمک‌کوه رود = نمک آب رود) در مغرب ذکر کرده و نواحی سخت‌سر (تقریباً نواحی رامسر کنونی) را همیشه تابع مازندران دانسته است. (۹۷) در اواخر قرن دهم قمری

امرای سلسله صفویه، که تشکیل حکومت مرکزی در سراسر ایران را مدنظر داشتند، با عزل میرمرادبن میرزا (از سادات مرعشی) به قیام سادات در مازندران پایان دادند.

در منطقه مستقل سوادکوه نیز در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم قمری امرایی از آل روزافرون حاکم بودند. (۹۸)

۲. اوضاع مازندران در دوره‌های صفویه و زندیه در دوره صفویه، مذهب شیعه، مذهب رسمی کشور شناخته شد. شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۲۳ قمری به مازندران لشکر فرستاد؛ لیکن تصرف قطعی مازندران در زمان سلطنت شاه عباس اول (شاه عباس بزرگ) صفوی صورت گرفت. شاه عباس در این سال حاکمیت مازندران را به فرهادخان واگذار کرد و خود در سال ۱۰۰۷ قمری به مازندران آمد. او در سال ۱۰۲۱ قمری شهر فرح آباد (خزرشهر کنونی) و در ۱۰۲۱ قمری شهر اشرف (بهشهر کنونی) را بنا کرد. شاه عباس برای این که بتواند در سراسر سال به این ولایت دسترسی داشته باشد، دستور داد تا جاده معروف به جاده شاه عباسی، که از استراباد به ساری و آمل ادامه می‌یافت، تکمیل شود. این جاده در سال ۱۰۳۱ قمری احداث شد. هم‌چنین در زمان او شهر بارفروش برکنار رود بابل - که ظهیرالدین مرعشی از آن به قریه یاد کرده بود - عمارت شد. (۹۹) شاه عباس علاقه خاصی به مازندران، به ویژه شهر اشرف (بهشهر کنونی، زادگاه مادر شاه عباس)، داشت و چندین جشن نوروز را در این شهر گذراند. در این دوره شهر اشرف ترقی زیادی کرد و به مثابه دومین پایتخت ایران (پس از اصفهان) مطرح شد. در سال ۱۰۲۷ قمری نیز پیتر و دلا واله ایتالیایی، نخستین فرد خارجی بود که با شاه عباس ملاقات کرد. بر طبق مطالبی که عزالدوله در کتابش آورده، اشرف بهتر از همه عمارات ایرانی بوده و شش باغ دوره صفویه آن (از جمله باغ چشمه عمارت، صاحب‌الزمان، باغ شاه)



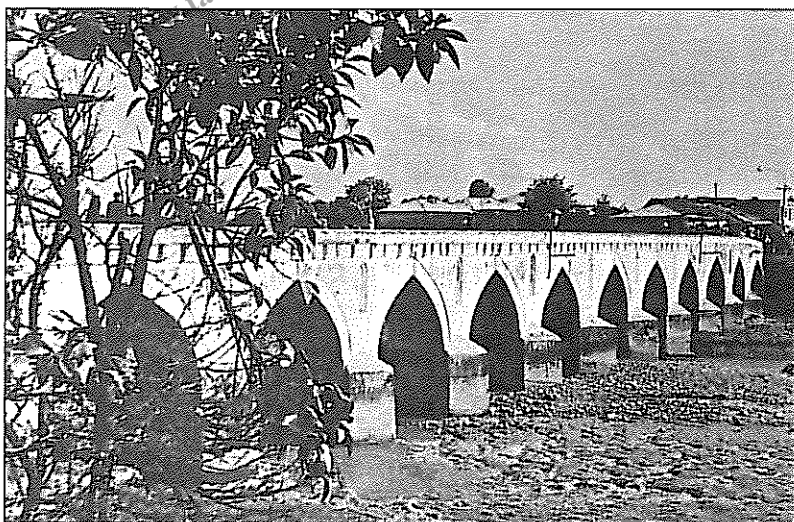
تصویر ۱۶. کاخ صاحب‌الزمان در اصفهان

زیانزد خاص و عام بوده است.

اسکندریبگ ترکمان، مؤلف کتاب تاریخ عالم آرای عباسی در دوره صفویه، مازندران را بهشت نشان وصف کرده است. به نوشته او شاه عباس اول ولایت مازندران را در سال ۱۰۰۵ قمری (سال دهم سلطنت شاه عباس) تصرف و حکومت و دارایی آن جا را به فرهادخان واگذار کرد.^(۱۰۰)

در دوره صفویه شاه طهماسب دوم که از اصفهان گریخته و به مازندران رفته بود، پس از فوت پدرش سلطان حسین خود را پادشاه نامید. در زمان شاه طهماسب صفوی، محمدعلی خان مأمور شده بود که خزینه و اسباب سلطنت وی را که در مازندران بود، به اردوی شاهی منتقل کند.^(۱۰۱) پس از دوره صفویه که به آبادانی و رونق مازندران انجامید، این منطقه درگیر منازعات و درگیری هایی شد. به نوشته محمدکاظم وزیر مروی، مؤلف کتاب عالم آرای نادری در دوره افشاریه، محمدعلی خان و ذوالفقارخان در خطه مازندران و نیز رشت و لاهیجان حکومت مستقل محلی تشکیل دادند و به سبب فتنه ای که در سر داشتند، اخلاص و جانسپاری خود را برای دیدار نادرشاه اعلام کردند. نادرشاه که از طرح آنها مطلع شده بود، برای دفع آنها در سال ۱۱۴۰ قمری روانه مازندران و مرکز آن ساری شد و آن جا را تصرف کرد.^(۱۰۲) در این اثنا، محمدعلی با لشکری به بسطام (در استان سمنان) رفت و ذوالفقار را در مازندران به نیابت خود حاکمی بخشید.^(۱۰۳) نادرشاه در زمانی که شاه طهماسب در حالت پریشانی در فرح آباد مازندران به سر می برد و مشغول مذاکره با ترکیه عثمانی و روسیه بود، با قوای خود به حدود مازندران رفت و پس از موافقت شاه طهماسب، برای ملاقات نزد او رفت. نادرشاه با موافقت ضمنی شاه طهماسب، دوست و هم پیمان او، فتحعلی خان قاجار را کشت. در این دوره میرزامهدی خان استرآبادی از سوء قصد به جان نادرشاه در جنگل های مازندران، خبر می دهد. به نوشته او در سال ۱۱۶۱ قمری علیقلی خان که خود را

علیشاه و عادلشاه می‌نامید، به سبب شدت قحطی در خراسان روانه مازندران شد و بیش از هفت ماه را در آن جا گذراند. (۱۰۴) در اواخر قرن دوازدهم قمری و در دوره زندیه، علی‌مرادخان زند که قصد تسخیر استراباد و مازندران را داشت، فرزندش شیخ‌ویسخان را روانه مازندران کرد و در نبردی که میان او و آقامحمدخان در حدود ساری و بارفروش روی داد، آقامحمدخان مغلوب شد و شیخ ویس بر ساری تسلط یافت. (۱۰۵)



تصویر ۱۷. پل قدیمی بر روی رود هراز در آمل

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل پنجم

مازندران از دوره قاجاریه تا امروز

۱. **مازندران در دوره قاجاریه** مازندران، در دوره قاجاریه، یعنی از سال ۱۲۱۰ قمری، مقارن با تاجگذاری آقامحمدخان قاجار، رویدادهای گوناگونی را پشت سر گذاشت. در آن هنگام که آقامحمدخان سرگرم تصرف ایالات مختلف ایران بود، جعفرقلی خان برادر آقامحمدخان، پس از آن که گروهی از افاغنه لاریجانی را، که در آمل، به دستور علیمرادخان (از سرکردگان زندیه) به مقابله با آقامحمدخان برخاسته بودند شکست داد، به امور مازندران پرداخت. در زمان حکومت محمدشاه قاجار که از سال ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ قمری ادامه داشت، فردی به نام اردشیرمیرزا حکمران مازندران شده بود. پس از محمدشاه و در دوره ناصرالدین شاه قاجار، که تا ۱۳۱۳ قمری بر ایران سلطنت کرد، مهدیقلی میرزا به جای خانلر میرزا در ۱۲۶۴ قمری، به فرمان ناصرالدین شاه، حاکم مازندران شد. (۱۰۶) در سال ۱۲۹۲ قمری ناصرالدین شاه خود به مازندران سفر کرد و در کتابش به نام روزنامه سفر مازندران از آن جا - البته بیشتر از تفرج و شکار - یاد می‌کند. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه از انتقال ماهانه هزارمن شکر سفید بسیار مرغوب از مازندران به دارالخلافه در سال ۱۲۹۶ قمری خبر می‌دهد؛ (۱۰۷) که نشان‌دهنده رونق این محصول در مازندران بوده است. در سال ۱۲۹۷ قمری نیز ناصرالدین شاه به نواحی ییلاقی مازندران از جمله کلاردشت، سفر کرد و مدتی

را در آنجا گذراند. او در سال ۱۳۱۰ قمری، میرزا عبدالله خان میرپنجه را والی مازندران و استرآباد کرد و منصب امیر تومانی به وی بخشید. پس از ناصرالدین شاه، در سال ۱۳۱۳ قمری مظفرالدین شاه به سلطنت رسید و سه سال بعد احمدخان علاءالدوله را به ایالت و حکمرانی مازندران منصوب کرد. احمدخان در سال ۱۳۱۷ قمری، با توجه به اهمیت استرآباد و گرگان و ترکمان و با نظر شاه، به حکمرانی آنجا منصوب شد و برادرش، معین الدوله، به حکمرانی مازندران رسید. یک سال بعد حکومت مازندران به ظهیرالدوله واگذار شد. (۱۰۸)

در دوره قاجاریه، نمایندگان دیگر کشورها در شمال ایران، از اوضاع مناطق و شهرهای مازندران سخن گفته‌اند. حدود ۱۵۰ سال پیش (در سال‌های ۱۸۵۸ تا ۱۸۶۰ م) چارلز فرانسیس مکنزی اولین کنسول (نماینده) انگلیس در شمال ایران، در کتاب سفرنامه شمال، رود سرخانی را حد غربی مازندران و مرز میان گیلان و مازندران ذکر کرده و نوشته است، اجاره ماهیگیری محله تنکابن پانصد تومان و مهم‌ترین محصولات محله خرم‌آباد در شهسوار (تنکابن) برنج، روغن و ابریشم است؛ و برنج را به استرخان (حاجی ترخان) باکو، گیلان، قزوین و تهران صادر می‌کنند.

او از آثار دو قلعه قدیمی با دو خندق در آبادی چلندر، مالیات ۴۵ تومانی تنکابن و جنگل‌های کم‌درخت توسکا در اطراف شهر بارفروش و از ۲۵ محله همان شهر یاد می‌کند. مکنزی محصولات عمده مشهدسر (بابلسر کنونی) را شکر، کنف، باقلا و کدو ذکر کرده و آنجا را بندر بارفروش دانسته است. (۱۰۹)

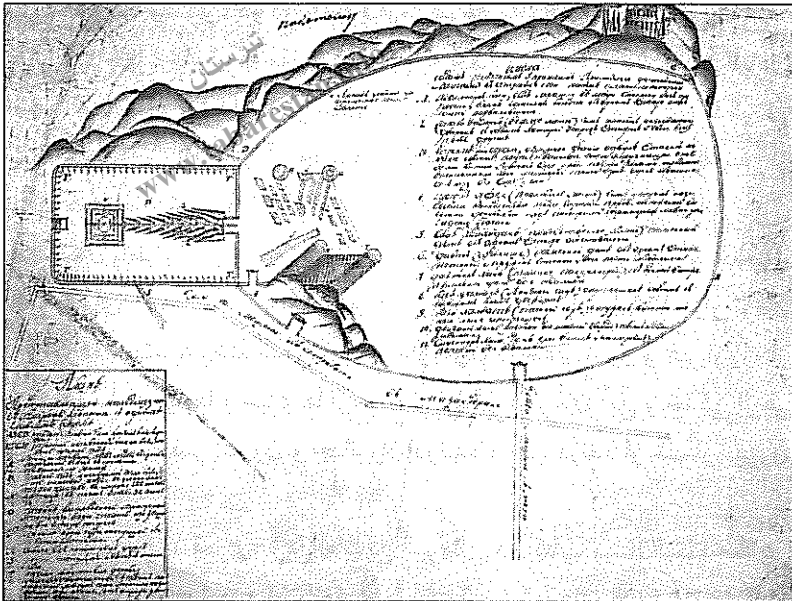
هم‌چنین به نوشته مکنزی اهالی مازندران به دلیل آن‌که قسمتی از سال را در کوهستان به سر می‌برند، سالم تر و قوی‌تر از گیلک‌ها هستند و آب و هوای مازندران نیز سالم‌تر از گیلان است. جمع مالیات آنجا حدود ۹۹ هزار تومان و به قولی ۱۱۵ هزار تومان است. او مازندران را مشتمل بر نه بخش تنکابن (با چهارده بلوک)، کلارستاق (با دو بلوک)، کجور (با دوازده بلوک)، نور (با هجده بلوک)،

آمل (با هفت بلوک)، بارفروش (با هشت بلوک)، ساری، سوادکوه (با چهار بلوک)، اشرف (با سه بلوک) دانسته و حد شرقی مازندران را خندق کلباد، که در زمان شاه عباس برای جلوگیری از حملات ترکان حفر شده بود، ذکر کرده است. به نوشته مکنزی، در دو یا سه کیلومتری شهر اشرف دهی است به نام التپه/ علی تپه با چهل خانوار که مقدار زیادی پنبه و گندم دارد و نزدیک این آبادی «میانکاله و خلیج استراباد» جلو چشم ماست. (۱۱۰) هم‌زمان با مکنزی، ملگونف نیز به مازندران رفته و از آن‌جا سخن گفته است. او از قلعه ساری که پس از مرگ کریمخان زند در ۱۱۹۳ قمری ساخته شد، قنادخانه و ضرابخانه بابل، جنگلستان باطراوت و باصفای ولایت اشرف، کاروانسراهای آمل و جمعیت ده‌هزارنفری آن‌جا سخن به میان آورده و مالیات مازندران را ۱۱۵ هزار تومان ذکر کرده است. به نوشته ملگونف، در مازندران درختان بارور و غیربارور، از هرگونه بسیار و گیاه‌ها و سبزی‌ها از هر قسم فراوان و مرغان آبی و خاکی از هر نوع از حد و حصر افزون و جانوران درنده و غیردرنده از شمار بیرون است. (۱۱۱)

در سال ۱۲۴۷ قمری، زین‌العابدین شیروانی در کتاب *بستان‌السیاحه*، در توضیح «طبرستان»، این دیار را وسیع و مشتمل بر شهرهای قدیمی و قصبات بزرگ دانسته و به کوه‌های سخت، جنگل‌های پردرخت و جمعیت زیاد آن‌جا اشاره کرده است. به نوشته او مازندران میوه‌های گرمسیری، طیور و انواع ماهی، ابریشم و کتان فراوان دارد و اکنون اکثر اهالی شیعی مذهب و عده‌ای نصاری و یهود هستند. شیروانی از کشته شدن حدود سی هزار نفر به مرض طاعون در مازندران (در سال ۱۲۴۷ ق) و نیز از بلای زلزله آن‌جا یاد کرده است. (۱۱۲)

تقریباً در اواخر دوره قاجاریه راینو نیز از مازندران مطالبی نقل کرده است. او بارفروش را بزرگ‌ترین شهر مازندران، ساری را مرکز حکومت مازندران، تنکابن را غربی‌ترین ناحیه، خلیج استراباد را بی‌خطرترین لنگرگاه دریای خزر

و جرکباد را مرز ایالت مازندران دانسته است. در همین زمانها، مشروطیت موجب تحولاتی در مازندران شد، و شهر تنکابن به صورت یکی از کانونهای مشروطیت در ایران درآمد.



تصویر ۱۸. نقشه شهر اشرف (بهشهر) در دوره قاجاریه

۲. مازندران در دوره پهلوی با انقراض سلسله قاجاریه در سال ۱۳۰۴ خورشیدی، رضاشاه که خود از اهالی آلاشت مازندران بود، سلطنت ایران را به دست گرفت. او در سال ۱۳۰۶ خورشیدی راه آهن تهران - شمال را احداث کرد که در سال ۱۳۱۶ خورشیدی به بهره برداری رسید. هم چنین در همان سال که تقسیمات حکومتی جدید کشور ایران آغاز شد، مازندران استان دوم نامیده شد و مشتمل بر هفت شهرستان شهسوار (تنکابن)، نوشهر، بابل، آمل، ساری،

شاهی (قائم شهر) و گرگان؛ و بیست بخش بود. در دوره پهلوی، نام بسیاری از شهرهای مازندران تغییر یافت مانند نام حبیب آباد به نوشهر، علی آباد به شاهی، بارفروش به بابل، اشرف به بهشهر و سخت سر به رامسر. مقارن سفر شاه به مازندران نیز احداث راه شوسه آنجا به اتمام رسید. از تأسیس کارخانه‌ها در این دوره می‌توان به احداث کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی در جویبار (سال ۱۳۱۴ ش)، کارخانه‌های نساجی در قائم شهر، کارخانه‌های متعدد از جمله چیت‌سازی که تا آن زمان مهم‌ترین کارخانه خاورمیانه بود، در بهشهر اشاره کرد. (۱۱۳)

در سال ۱۳۲۹ خورشیدی، این استان از لحاظ تشکیلات اداری به پنج ناحیه مستقل شامل آمل و نور، بابل، ساری و بهشهر، شاهی (قائم شهر) و شهسوار (تنکابن) تقسیم می‌شد. در سال ۱۳۵۵ خورشیدی که تقریباً اواخر دوره پهلوی است، مازندران در تقسیمات کشوری ایران مشتمل بر ده شهرستان از جمله شامل استان گلستان کنونی بود. (۱۱۴)

۳. مازندران پس از انقلاب اسلامی با پیروزی انقلاب اسلامی، در بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی تحولات زیادی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در استان مازندران صورت گرفت. از مهم‌ترین تحولات در زمینه فرهنگی می‌توان به ایجاد دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی و گسترش آنها، به‌ویژه در شهرهای مهم استان، در زمینه اجتماعی می‌توان به خدمات گسترده در امور زیربنایی از جمله آب‌رسانی، برق‌رسانی، تلفن و گاز به‌ویژه به آبادی‌ها و نقاط محروم استان و در زمینه اقتصادی، علاوه بر احداث چندین سد مهم و بزرگ می‌توان به ایجاد تعداد زیادی مراکز صنعتی و کارخانه‌ها و تأسیسات از جمله کارخانه چوب و کاغذ مازندران (در حدود یازده کیلومتری جنوب شهر ساری) و کارخانه تهیه خمیر کاغذ (= لینتر پاک؛ نزدیک شهر رستمکلا) اشاره کرد. هم‌چنین یادآور می‌شود، نیروگاه برق نکا که در زمان جنگ تحمیلی مورد

تهاجم هوایی قرار گرفت، بازسازی شد. از دیگر فعالیت‌های صنعتی نیز، می‌توان به احداث بندر امیرآباد، با فعالیت تجاری و بازرگانی در شمال شهر بهشهر و نیز ایجاد شهرک‌های صنعتی در مناطق مختلف استان اشاره کرد. تحولات در امور زراعت، باغداری، دامداری و شیلات نیز از دیگر تحولات اقتصادی در این دوره است که منجر به رونق اقتصادی و تنوع محصولات گردید.

از لحاظ رشد شاخص‌ها نیز می‌توان به افزایش نرخ باسوادی استان از ۶۳/۴ درصد در سال ۱۳۶۵ خورشیدی به ۷۹/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ خورشیدی اشاره کرد. هم‌چنین تعداد آبادی‌های تحت پوشش نهضت سوادآموزی به ۷۸۸ روستا و تعداد خانه بهداشت فعال روستایی به ۱۰۰۵ مورد با پوشش جمعیتی حدود یک میلیون و چهارصد هزار تن از اهالی در سال ۱۳۷۵ خورشیدی بالغ شد. (۱۱۵)

در امور حمل‌ونقل و ارتباطات، که یکی از مسائل مهم استان شمرده می‌شود، تغییراتی صورت گرفت. به طوری که علاوه بر گسترش راه‌سازی در مناطق محروم، به منظور دسترسی و ارتباط بیشتر این مناطق (به ویژه مناطق کوهستانی) با مناطق شهری و آبادی‌های بزرگ، می‌توان از احداث راه اصلی مازندران-سمنان (نا تمام)، گسترش و تعریض راه سراسری شمال (گرگان-رشت) و نیز بهره‌برداری از فرودگاه شهر ساری یاد کرد.

تقسیمات کشوری مازندران نیز در این دوره تغییراتی یافت. به طوری که آبادی‌های مهم و پرجمعیت استان به شهر تبدیل شد و بر تعداد شهرستان‌های استان نیز افزوده شد. هم‌چنین در سال ۱۳۷۶ خورشیدی استان گلستان از استان مازندران جدا شد و بدین ترتیب محدوده مازندران تقریباً منطبق بر مازندران و طبرستان قدیم گردید.

فصل ششم

اوضاع فرهنگی مازندران

۱. **مشاهیر و بزرگان** استان مازندران از روزگاران دور تا امروز بزرگان بسیاری را در دامن خود پرورانده است. از اندیشمندان برجسته این استان می‌توان به محمد بن جریر طبری، ابن اسفندیار، اولیاءالله آملی، میرقوام‌الدین مرعشی، و سیدظهیرالدین مرعشی اشاره کرد.

ابوجعفر محمد بن جریر طبری مفسر، مؤرخ و فقیه مشهور ایرانی و از بزرگ‌ترین مؤرخان عالم اسلام در سال‌های ۲۲۵-۳۱۰ قمری است. کتاب تاریخ او به نام تاریخ‌الرسول و الملوک بسیار معروف است.

ابوالحسن، احمد بن طبری، طبیب طبرستانی مؤلف کتاب المعالجات البقراطیه از دیگر بزرگان قرن چهارم قمری است. هم‌چنین ابوالطیب طبری که فقیه شافعی قرن‌های چهارم و پنجم قمری به‌شمار می‌رود، نیز از بزرگان طبرستان است. (۱۱۶)

ابن اسفندیار یا بهاء‌الدین محمد بن حسن بن اسفندیار الکاتب از اهالی آمل و نخستین نویسنده تاریخ طبرستان است. اهمیت ابن اسفندیار در تاریخ مازندران به‌حدی است که او را «پدر تاریخ طبرستان» نامیده‌اند. او پس از تحصیل علوم مقدماتی به بغداد رفت و در سال ۶۰۶ قمری به‌سمت مازندران روانه شد. هم‌چنین نامه تنسر را، که در تاریخ ایران دارای اهمیت به‌سزایی

است، نخستین بار او در کتاب خود، تاریخ طبرستان، در سال ۶۱۳ قمری به فارسی آورده است. سال تولد و مرگ ابن اسفندیار به درستی مشخص نیست. اولیاءالله آملی یا مولانا اولیاءالله الاملی الطبری مؤلف کتاب تاریخ رویان نیز از بزرگان قرن هشتم قمری مازندران است. او کتابش را در سال ۷۶۴ قمری تألیف کرد و ظاهراً تا سال ۸۰۵ قمری زنده بود.

از دیگر بزرگان مازندران میر (سید) قوام‌الدین مرعشی (میر بزرگ) است. از سادات مرعشی علاوه بر او می‌توان از سیدظهیرالدین مرعشی نیز نام برد. او از اهالی شهر آمل است و پدرش سیدنصیرالدین (نوه میر قوام‌الدین) نام دارد. سیدظهیرالدین در سال ۸۱۵ قمری به دنیا آمد و یکی از سرداران لشکری و از نویسندگان مشهور قرن نهم قمری مازندران است. کتابش به نام تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، که در سال ۸۸۱ قمری تألیف شده یکی از کتاب‌های ارزشمند درباره مازندران شمرده می‌شود. او ظاهراً در ۸۹۳ یا ۸۹۴ قمری وفات یافت و جایی که او را به خاک سپرده‌اند، به درستی مشخص نیست.

از دیگر بزرگان مازندران، شیخ ابوالعباس قصاب آملی است. او از اولیا و عرفای قرن چهارم قمری مازندران است، که پس از مسافرت به بغداد و درک خدمت شیخ شبلی، به مکه و مدینه و بیت‌المقدس رفت و در ادامه به آمل آمد. روایت است که شیخ ابوسعید ابوالخیر مدتی را نزد ابوالعباس آملی گذراند. قطب‌الدین حیدر از دیگر بزرگان و از سادات بزرگوار آمل است. از او کتاب‌ها و رساله‌هایی از جمله کتاب جامع الحقایق و رساله امثله توحید، رساله ارکان و کتاب کشکول باقی است. هم‌چنین، در ذکر بزرگان و علمای مازندران می‌بایست از شمس‌الدین محمد آملی و ملا محمد آملی نام برد. شمس‌الدین محمد آملی از علمای بزرگ شیعه و از مدرسان مدرسه سلطانیه در زمان الجایتو است. از تألیفات مشهور او شرح کلیات قانون ابن سینا - به عربی - است که در سال ۷۵۳ قمری به اتمام رسیده است. ملا محمد آملی نیز از بزرگان فقه و اصول

در اواسط قرن سیزدهم قمری است. او در کربلا وفات یافت و همان‌جا مدفون شد. (۱۱۷)

علی‌بن جمال رویانی (صاحب کتاب تاریخ طبرستان در اوضاع و احوال رویان) و ابوالمحاسن رویانی (ملقب به فخرالاسلام و صاحب چند کتاب در باب مذهب) از دیگر بزرگان مازندران هستند. از شعرای مشهور مازندرانی نیز می‌توان به طالب آملی، سیدعزالدین و ملامحمد شریف آملی، آشوب و اشرف مازندرانی، اقبال مازندرانی و امیر پازواری اشاره کرد. طالب آملی از شعرای بزرگ و صاحب سبک مخصوص است و طبق گفته خود قبل از بیست‌سالگی در هفت علم متبحر بود. سیدعزالدین از عرفا و شعرای معروف مازندران است که در اواخر قرن هفتم قمری، قصاید شیخ عطار را شرح می‌کرد. ملامحمد شریف از شعرای بنام و فرزند شیخ حسن آملی است. آشوب مازندرانی نیز شاعر خوب و معروف از آبادی سورک (در مشرق شهر ساری) است. اشرف مازندرانی تخلص مولانا محمدسعید فرزند محمدصالح مازندرانی است که در فن شعر و معما تبخر داشت. اقبال مازندرانی نیز از شعرای بنام دوره قاجاریه و از آبادی چلاو آمل است.

امیر پازواری معروف به شیخ‌العجم از بزرگ‌ترین و مشهورترین رباعی‌سرایان به‌زبان مازندرانی است. او از اهالی امیرکلا (از توابع بابل) است و در میان خواص و عوام مازندران، شهرتی کم‌نظیر دارد و اشعار منسوب به او را، با آهنگ مخصوص می‌خوانند و در سراسر مازندران هنوز متداول است. (۱۱۸)

از شاعران، محققان و نویسندگان معاصر می‌توان به نیما یوشیج، پرویز خانلری، صادق کیا، محمد تقی دانش‌پژوه، منوچهر ستوده، شاهرخ مسکوب، محمد زهری، حسن هنرمندی و... اشاره کرد.

مازندران بناهای قدیمی و مکان‌های پراهمیت فراوان است. این مکان‌ها یادآور دوران‌های مختلف و نبردها و وقایع متعدد در قرن‌های نخستین اسلامی، قرن‌های میانی و دوره‌های مختلف از جمله دوره صفویه، قاجاریه و در نهایت پهلوی است. بعضی از این بناها امروزه جزو اماکن توریستی شمرده می‌شوند و هر سال گردشگران و مسافران بسیاری از آن‌ها بازدید می‌کنند. مساجد کهن شهرها، قلاع نظامی، برج‌ها، بقعه‌ها و زیارتگاه‌ها از مهم‌ترین بناهای قدیمی مازندران هستند. بعضی از بناها و آثار قدیمی و نیز مکان‌هایی را که از جنبه‌های جهانگردی حایز اهمیت‌اند، در این جا معرفی می‌شود: (۱۱۹)

بقعه امامزاده ابراهیم این بقعه در کنار راه آمل به محمودآباد، در وسط قبرستان محصور آمل، قرار دارد. در این بقعه صندوقی بسیار نفیس از قرن نهم قمری به طول ۲/۲۲ متر، عرض ۲/۲۲ و ارتفاع ۱/۳۰ متر دیده می‌شود. مزار امامزاده ابراهیم آجری مربع شکل است و حدود بیست متر ارتفاع دارد. در ورودی مسجد به صحن، دو ننگه و مثبت کاری است. شرح ورود امامزاده به آمل و شهادت وی در یک وقف‌نامه، از موقوفات امامزاده، که در سال ۹۲۶ قمری تحریر یافته، آمده است. بنای بقعه سال ۹۲۵ قمری ذکر شده است.

بقعه میر بزرگ؛ سید قوام‌الدین مرعشی بقعه سید قوام‌الدین، نخستین حاکم مرعشی مازندران، به صورت زیبا و باشکوهی در کنار مدرسه و محل سکونت طلبه‌های علوم دینی در آمل ساخته شده است. سیدظهرالدین مرعشی نوشته است، این بنا در عصر خود کم‌نظیر و بسیار عظیم بود و تا بعد از هجوم امیر تیمور به آمل و شکست حاکمان مرعشی باقی بود. در دوره امیر تیمور، اسکندر شیخی پسر افراسیاب چلاپی و حاکم آمل به دستور تیمور، بنای مقبره میربزرگ را ویران کرد. پس از امیر تیمور و در زمان سید قوام‌الدین مرعشی در سال ۸۱۴ قمری، به همت اهالی، بقعه میربزرگ به شکل اول ساخته شد و در دوره صفویه با بهترین کاشی‌کاری و تزیینات تکمیل گردید.

مسجد جامع بابل این مسجد منسوب به مازیار بن قارن است و در سال ۱۷۰ قمری بنا شده است. در دوره صفویه نوسازی و در زمان فتحعلی شاه قاجار بر اثر زلزله ویران شد؛ اما به همت متولی آن میر محمد حسین در سال ۱۲۲۵ قمری دوباره بنا شد. از بناهای قدیمی بابل می توان به بازار قدیمی مامطیر، قلعه توجی، باغ شاه (مربوط به زمان شاه عباس دوم)، ضرابخانه بارفروش، کاروانسراهای متعدد از جمله شاه عباسی، امین الملک و قیصریه و پل محمد حسن خان نیز اشاره کرد.

مسجد جامع آمل این مسجد قدیمی، طبق گفته ابن اسفندیار در زمان خلافت هارون الرشید در سال ۱۷۷ قمری بنا شده و متولی آن ابراهیم بن عثمان بن نهیک بوده است. ظاهراً بعدها این مسجد به ویرانه‌ای تبدیل و مجدداً تعمیر شد. در آتش سوزی عظیم آمل در ۱۳۳۵ قمری، این مسجد نیز آسیب دید و با همت متولیان تعمیر شد.

بقعه آستانه بابل بقعه امامزاده قاسم، که ظاهراً نسبش به امام موسی کاظم (ع) می رسد، در مرکز شهر بابل واقع است و مسجدی رو به قبله در کنار آن ساخته شده است. صحن گنبد بنا آجری، هرمی شکل و به ارتفاع حدود ۲۲ متر است. صندوق منبت کاری شده آن در تاریخ ۸۸۸ قمری به دست احمد نجار ساروی ساخته شده است.

بقعه امامزاده ابراهیم این بقعه در جانب جنوب شرقی شهر بابل سر واقع است و ظاهراً به دلیل دفن سر امامزاده ابراهیم آملی در آن جا، نام آبادی به مشهد سر معروف شده بود. بنای بقعه قدیمی است و چند در بزرگ و کوچک دارد که از حیث نجاری و منبت کاری قابل توجه است.

بقعه امامزاده یحیی این بقعه مربوط به امامزاده یحیی فرزند امام موسی کاظم (ع) است که در سال ۸۴۹ قمری در شهر ساری ساخته شده است. ساختمان این گنبد آجری، هرمی شکل و به ارتفاع بیست متر است. منبت کاری های این

بقعه قدیمی است.

بقعه سید زین العابدین این بقعه مربوط به سادات مرعشی است که در ساری مدفون هستند. گنبد بقعه سید زین العابدین آجری است و قسمت پایین آن چهارگوش و بام آن هرمی شکل، و به ارتفاع بیست متر است.

آثار دوره صفوی فرح آباد این آثار در بندر فرح آباد در بیست و هشت کیلومتری شمال ساری و کنار مصب رود تجن واقع است. در دوره صفویه، به ویژه در پی توجهات شاه عباس اول صفوی به شمال ایران، این بندر مورد توجه قرار گرفت و آثار متعددی از جمله کاخ سلطنتی، مساجد، مدارس، بازار، حمام، پل، باغ‌های متعدد در آن ساخته شد. این آثار مدت‌ها بعد ویران شد و امروزه از مسجد، مدرسه، پل و دیوارهای کاخ، آثاری باقی است.

استخر عباس آباد - بهشهر در دوره صفویه و در طی توجهات شاه عباس اول صفوی به شهر اشرف و نیز با توجه به موقعیت‌های منطقه، آثار متعددی در شهرستان بهشهر احداث شد که یکی از آنها استخر عباس آباد است. این استخر میان دو کوه، در حدود نه کیلومتری جنوب شرقی شهر بهشهر، پس از احداث سد محکم در آن‌جا، ایجاد شد. در استخر عباس آباد، آب‌های فصل مرطوب و بارانی جمع‌آوری می‌شود و در فصل‌های دیگر به مصارف زراعی می‌رسد. در وسط این استخر، عمارت زیبایی ساخته شده بود، که آثار آن باقی است. در پیرامون استخر عباس آباد، دو برج آجری نسبتاً بلند برای حراست و نگهبانی احداث شده بود. در کاوش‌های باستان‌شناسی، آثار فراوان و گرانمایی از دوره صفویه در کنار استخر کشف شده است. راه ارتباطی آن‌جا نیز از آبادی التپه می‌گذرد، که اخیراً مرمت و بازسازی شده است. فعالیت‌های کنونی باستان‌شناسان در حفاری و مرمت آثار عباس آباد درخور ذکر است.

باغ‌شاه بهشهر باغ‌شاه بهشهر، از قصرهای عظیم و زیبای دوره صفویه، که در اثر عدم مراقبت در شرف ویرانی بود، بعدها مرمت شد. در کنار آن، مناظر

زیبا و نه‌های سنگ‌نما و باغ‌های مرکبات جلوه می‌کند. چشمه عمارت بهشهر این اثر در شهر بهشهر و بر چشمه آب معدنی به صورت زیبا و باشکوه در دوره صفویه بنا شده است. محل آن به دلیل مجاورت با کوه‌های جنگلی و داشتن آب معدنی، مورد توجه و محل تفرج شاهان صفوی بوده است. در سال‌های اخیر، آب چشمه را برای مصارف شهری لوله کشی کرده‌اند.

کاخ صفی آباد این کاخ در شهر بهشهر و در بالای کوه مشرف به شهر به صورت باشکوه و زیبا در دوره صفویه بنا شده است. کاخ صفی آباد علاوه بر شهر بهشهر، به بیشتر سواحل شرقی مازندران مشرف است و از مناطق خوش منظر و کم نظیر منطقه به شمار می‌آید.

برج یا گنبد رسکت این برج در حدود دوازده کیلومتری آبادی لاجیم (از توابع سوادکوه) واقع است. بنای برج آجری و ساختمان آن مخروطی است. برج یا گنبد لاجیم این برج در حدود بیست و چهار کیلومتری شمال شرقی شهر زیراب واقع است. برج لاجیم دیوار قطور و خندقی دارد. داخل محوطه آن نیز تپه‌های زیادی است که برج را به صورت قلعه نیرومندی نشان می‌دهد. ساختمان برج لاجیم آجری و مخروطی شکل و بام آن گنبدی شکل است.

هم‌چنین، استان مازندران دارای نواحی مستعدی برای گذران اوقات فراغت و تفرج است. مهم‌ترین نواحی مستعد گذران فراغت در مازندران جنگل‌های سرسبز و خوش منظر و نیز ساحل و کناره دریا در سراسر استان است. علاوه بر آن می‌توان از نواحی بیلاقی کلاردشت، بیلاق قلعه گردن در تنکابن، نواحی بیلاقی سوادکوه، منطقه هزارجریب، مناطق بیلاقی آمل و نیز مناطقی مانند استخر عباس آباد (در نه کیلومتری جنوب شرقی شهر بهشهر)، زیارتگاه پهنه کلا (در یازده کیلومتری جنوب شهر ساری)، زیارتگاه‌های سادات مرعشی در نزدیکی آبادی بابلکان (در حدود ۱۳ کیلومتری جنوب غربی شهر بابل)،

پارک‌های جنگلی از جمله عباس‌آباد، سی‌سنگان و جنگل‌های خوش‌منظر مشرف به دریا از چالوس تا رامسر نام برد. جدول بعدی موقعیت و قدمت بعضی از بناهای تاریخی مازندران را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۳. موقعیت و قدمت بعضی از بناهای تاریخی استان مازندران

ردیف	نام بنا - محل	قدمت	ردیف	نام بنا - محل	قدمت
۱	باغ‌ها و عمارات بهشهر	صفویه	۱۶	امامزاده قاسم بابل	۸۹۰ قمری
۲	کاخ صفی‌آباد بهشهر	صفویه	۱۷	پل محمدحسن‌خان بابل	قرن دوازدهم قمری
۳	بقعه میرزرگ آمل	قرن هشتم قمری	۱۸	بنای شهربانی و شهرداری بابل	پهلوی
۴	بقعه شمس طبرسی (ناصرالحق) آمل	۸۳۰ قمری	۱۹	امامزاده یحیی ساری	اوایل اسلامی
۵	آرامگاه شمس طبرسی آمل	قرن نهم قمری	۲۰	امامزاده عباس ساری	قرن نهم قمری
۶	پل دوازده‌پله آمل	صفویه	۲۱	مجموعه فرح‌آباد ساری	صفویه
۷	پل فلزی آمل	پهلوی	۲۲	پل تچن ساری	پهلوی
۸	عمارت عباس‌آباد بهشهر	صفویه	۲۳	هتل چالوس	پهلوی
۹	چشمه عمارت بهشهر	صفویه	۲۴	هتل رامسر	پهلوی
۱۰	بقعه میرحیدر (مه سید) آمل	قرن نهم قمری	۲۵	بنای شهرداری قائم‌شهر	پهلوی
۱۱	امامزاده قاسم آمل	۷۰۶ قمری	۲۶	پل ورسک	پهلوی
۱۲	تکیه کردکلا جویبار	قاجاریه	۲۷	خانه نیما یوشیج - یوش	قاجاریه
۱۳	برج لاجیم سوادکوه	قرن پنجم قمری	۲۸	پل خشتی و حمام در نور	قرن سیزدهم قمری
۱۴	برج رسکت هزارجریب	قرن پنجم قمری	۲۹	بقعه هزارخال کجور	-
۱۵	امامزاده ایراهیم بایلسر	۸۴۱ قمری	۳۰	بقعه قدمگاه خضر آمل	قرن نهم قمری

۳. موقعیت کنونی فرهنگ و شاخص‌های فرهنگی استان مازندران از لحاظ فرهنگی، به‌ویژه از حیث شاخص‌های فرهنگی، از مناطق ممتاز ایران شمرده می‌شود. در این باره، شاخص‌های آموزش و پرورش و باسوادی، آموزش عالی، بهداشت و درمان و دسترسی به خدمات عمومی از مهم‌ترین

شاخص‌ها در سنجش و ارزیابی فرهنگی به حساب می‌آیند، که شرح مختصر هریک در زیر می‌آید:

در سال ۱۳۷۵ خورشیدی از کل جمعیت شش سال و بالاتر جمعیت استان مازندران، حدود ۸۰/۸ درصد باسواد بودند. این میزان در نقاط شهری ۸۶/۸ و در نقاط روستایی حدود ۷۵/۶ درصد بوده است. در سال ۱۳۷۶ خورشیدی در این استان، تعداد ۷۳۴،۶۵۱ دانش‌آموز در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه با کمک ۲۹،۹۱۱ نفر کادر آموزشی در ۲۶،۰۸۳ کلاس درس، مشغول به تحصیل بودند. نهضت سوادآموزی نیز در سال ۱۳۷۶ خورشیدی در ۷۸۸ روستا موفق به تشکیل ۱۹۶۲ کلاس سوادآموزی گردید که ۲۳،۶۱۱ نفر در این کلاس‌ها تحصیل می‌کردند. (۱۲۰)

هم‌چنین در سال ۱۳۷۶ خورشیدی، ۵۹،۵۹۱ دانشجو در دانشگاه‌های استان مازندران به تحصیل اشتغال داشتند. از مهم‌ترین مراکز آموزش عالی استان می‌توان به دانشگاه علوم پزشکی بابل، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دانشگاه مازندران، دانشگاه علم و صنعت ایران (واحد بهشهر)، دانشکده منابع طبیعی (در شهرساری)، دانشگاه تربیت مدرس (واحد نور) و دانشگاه‌های پیام نور، به‌ویژه در شهرهای ساری و بهشهر، اشاره کرد. در مراکز آموزش عالی استان مازندران حدود ۳۴،۵۰۰ مرد و ۳۵،۰۰۰ زن مشغول به تحصیل‌اند. از دانشگاه‌های آزاد مازندران نیز می‌توان به واحدهای نوشهر و چالوس، بابل، قائم‌شهر و ساری اشاره کرد. برپایه آمار سال ۱۳۷۸ خورشیدی، ۴۳،۸۱۷ دانشجو در دانشگاه‌های آزاد استان تحصیل می‌کنند که ۲۲،۰۳۴ تن از آنها، زن هستند.

اوضاع استان مازندران از لحاظ بهداشت و نیز تعداد مؤسسه‌های پزشکی نیز حایز اهمیت است. در سال ۱۳۷۶ خورشیدی در این استان سی‌وپنج بیمارستان و زایشگاه با ۳۶۶۲ تخت به ارائه خدمات درمانی می‌پرداختند.

هم‌چنین تعداد ۳۱۷ درمانگاه، ۶۴ مرکز رادیولوژی، ۱۴۲ آزمایشگاه، ۲۴۰ داروخانه و ۱۰۷۶ خانه بهداشت در این سال فعال بودند. تعداد پزشکان نیز ۹۰۵ تن بود. یادآور می‌شود که در سال ۱۳۷۶ خورشیدی، برای هر ۱۸۸۲ تن یک پزشک، برای هر ۷۱۴ تن یک تخت بیمارستانی و برای هر ۸۱۸۷ تن یک دندانپزشک و برای هر ۱۰۹۵۰ تن یک داروخانه وجود داشته است.

از لحاظ ارتباطات جمعی و فرهنگ، در این استان می‌توان به فعالیت ۳۵ کتابخانه عمومی با حدود ۳۰۹ هزار جلد کتاب، ۷۲ چاپخانه و ۴۲ واحد انتشاراتی در سال ۱۳۷۶ خورشیدی اشاره کرد. هم‌چنین در این سال تعداد ۲۳ سینما، ۳۴ هتل (از مهم‌ترین آنها، هتل بادله در ساری و هتل تیلار در قائم‌شهر) و ۱۷ مرکز فرهنگی و هنری با حدود ۱۲۴ هزار جلد کتاب در سراسر استان فعال بودند. هم‌چنین از روزنامه‌های معروف استان می‌توان از بشیر، کاریه، جویبار، پیک خزر و ندای شمال نام برد. تعداد واحدهای مسکونی استان نیز طبق آمار سال ۱۳۷۵ خورشیدی ۷۵۳,۸۹۶ واحد است که از این تعداد ۳۳۷,۰۶۳ واحد در نقاط شهری و ۴۱۶,۸۳۳ واحد در نقاط روستایی بوده‌اند. کیفیت مصالح واحدهای مسکونی استان در این سال نشان می‌دهد که از مجموع واحدها، تعداد ۲۲,۵۸۱ واحد اسکلت فلزی، تعداد ۲۲,۰۳۸ واحد بتون آرمه و تعداد ۷۰۰,۷۹۴ واحد با مصالح دیگر (از جمله آجر و آهن، خشت و چوب و گِل) بوده است. (۱۲۱)

سخن پایانی

تبرستان
www.tabarestan.info

بررسی و مطالعه جغرافیایی و تاریخی هر منطقه به جهات مختلف حایز اهمیت است. نخست آن که آثار متقابل هریک از عوامل و عناصر جغرافیایی را بر تحولات تاریخی و نیز آثار تحولات تاریخی را بر پهنه جغرافیایی آشکار می‌سازد؛ دیگر آن که برای درک روابط علت - معلولی و واقعیت‌ها، شناخت پدیده‌ها و شرح وقایع مؤثر است. نمونه این امر را در استان مازندران می‌توان در تبیین آثار ناهمواری‌ها به‌هنگام فتح این سرزمین به‌دست مسلمانان و یا تأثیر توجهات شاهان صفویه بر شبکه شهرها و راه‌های استان مازندران دانست. با این وصف، مطالعه اوضاع جغرافیایی در نوع خود، مبین توان‌های بالقوه محیطی، توانمندی اقتصادی و ظرفیت‌های بالای نیروی انسانی و مطالعه تاریخی بیان‌کننده اهمیت دوره‌های مختلف تاریخی و آثار حاکمان وقت بر استان مازندران است، که خود حایز اهمیت فراوان است. شناخت این مسایل در تقابل با عناصر مؤثر امروزی و شرایط کنونی، موجب پدید آمدن موقعیت ویژه‌ای برای استان مازندران می‌گردد که مهم‌ترین آنها در زیر می‌آید:

○ محیط مناسب برای فعالیت‌های تولیدی و شرایط بالقوه انسانی، از اهرم‌های اولیه توسعه به‌شمار می‌رود که چون استان مازندران دارای این ویژگی‌هاست از این رو مطالعه علمی و برنامه‌ریزی دقیق و جامع در جنبه‌های مختلف

اقتصادی - اجتماعی آن ضروری است.

○ شرایط ویژه و استراتژیک دریای مازندران، به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی سابق و نیز وجود ذخایر ارزشمند مانند نفت در کرانه‌های جنوبی (در استان مازندران) از یک طرف بر موقعیت حساس مازندران از جنبه‌های فرامنطقه‌ای افزوده و از سوی دیگر عنایت به مسائل ژئوپلیتیکی دریای خزر، تأکید ویژه بر مطالعات و نیز دستیابی به روش‌های بهره‌برداری بهینه از منابع استان را در جهت توسعه پایدار ضروری ساخته است.

○ موقعیت، آب‌وهوا، جنگل‌ها، دریا، رودها و چشمه‌ها و... برای گذران اوقات فراغت از یک طرف، و بناها و اماکن ارزشمند تاریخی مانند زیارتگاه‌ها، مساجد کهن و قلعه‌ها از طرف دیگر، شرایط مطلوبی را برای جنبه‌های توریستی و جهانگردی در استان مازندران فراهم آورده است. هم از این رو برنامه‌ریزی علمی و به‌وجود آوردن شرایط مطلوب بهره‌مندی از این فضاها، بی‌شک زمینه را برای تحولات مهم اقتصادی - اجتماعی، در استان مازندران، مهیا خواهد کرد.

بی نوشت

تبرستان
www.tabarestan.info

۱. مساحت استان مازندران در آمارنامه سال ۱۳۷۷ خورشیدی، ۲۳۷۵۶/۴ کیلومتر مربع ذکر شده است.
۲. [سازمان برنامه و بودجه استان مازندران]، معاونت آمار و اطلاعات، آمارنامه استان مازندران - ۱۳۷۶، تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷، ص ۱-۲۱ و ۱-۶۴؛ نیز فهرست تقسیمات کشوری سال ۱۳۷۸.
۳. در قلمرو مازندران - مجموعه مقالات، «قلیم، انسان و فعالیت در استان مازندران (از زبان آمار)» نوشته محمدحسین بحرانی، به کوشش حسین صمدی، ج ۱، بابل، نقش جهان، ۱۳۷۰، ص ۸، و نیز [ندایرةالمعارف فارسی]، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، تهران، فرانکلین، ۱۳۳۵، ۱/ ذیل «مازندران».
۴. جعفری، عباس. گیتاشناسی ایران، ج ۱، کوهها و کوهنامه ایران (تهران، گیتاشناسی، ۱۳۶۸)، جاهای گوناگون.
۵. در قلمرو مازندران، ۱۰-۹/۱.
۶. شایان، عباس. مازندران، (تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۴)، ص ۲۶.
۷. کیهان، مسعود. جغرافیای مفصل ایران، (تهران، مطبوعه مجلس، ۱۳۱۱)، ۲/ ۲۸۵.
۸. [سازمان برنامه و بودجه استان مازندران]، آمارنامه استان مازندران، ۱۳۷۶، ص ۱۱-۱۸،

۱۱-۱۹؛ نیز در قلمرو مازندران، ۲۲/۱.

۹. امیرسز و ملویل. تاریخ زمین‌لرزه‌های ایران، ترجمه ابوالحسن رده، (تهران، آگاه، ۱۳۷۰).
جاهای گوناگون.

۱۰. مهجوری، اسماعیل. تاریخ مازندران، (ساری، چاپ اثر، ۱۳۳۲)، ۵-۲/۱؛ نیز عمادی،

اسدالله. بازخوانی تاریخ مازندران، (ساری، فرهنگ‌خانه مازندران، ۱۳۷۲)، ص ۱۸.

۱۱. میزان آب رودهایی که از سواحل جنوبی به دریای مازندران می‌ریزند، تنها پنج درصد از آب رودهای حوضه آبریز آن است. [سازمان برنامه و بودجه استان مازندران]،
آمارنامه استان مازندران، ۱۳۷۶، ص ۱-۲۶.

۱۲. [وزارت آموزش و پرورش]، جغرافیای کامل ایران، (تهران، سازمان پژوهش و
برنامه‌ریزی، ۱۳۶۶)، ۱۱۲۱/۲-۱۱۲۲.

۱۳. همان، ص ۱۱۲۲.

۱۴. بیات، عزیزالله. کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳)، ص
۱۵-۱۶.

۱۵. [سازمان برنامه و بودجه استان مازندران]، آمارنامه استان مازندران، ۱۳۷۶، ص ۱-۲۲،
۲۳-۱.

۱۶. فرهنگی، بیژن. نگرشی بر سدهای ایران (گذشته، حال، آینده)، (تهران، ارمغان، ۱۳۷۲)، ص
۱۸۲، ۲۲۶، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۳۸.

۱۷. بهرامی، تقی. جغرافیای کشاورزی ایران، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۳)، ص ۴۶.

۱۸. [سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح]، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ج ۲۷
(چالوس، آمل) و ج ۲۸ (ساری)، تهران، ۱۳۷۰، جاهای گوناگون؛ نیز شایان، عباس.
مازندران، ص ۶۵-۶۶.

۱۹. بهرامی، تقی. جغرافیای کشاورزی ایران، ص ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۷۰؛ [وزارت آموزش و پرورش]،
جغرافیای کامل ایران، ۱۱۲۸/۲.

۲۰. ریاحی، علی‌اصغر. سیمای جغرافیایی هزارگریب بهشهر، (تهران، آیندگان، ۱۳۷۹)، ص

- ۱۲۶؛ [مرکز آمار ایران]، نتایج تفصیلی کل کشور، ۱۳۷۵، استان مازندران (۲۲-۲)، تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶، ص ۱۶.
۲۱. کیهان، مسعود. *جغرافیای مفصل ایران*، ج ۲، ص ۲۸۴.
۲۲. چکیده کشاورزی ایران (خلاصه آمار کشاورزی از مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۸)، ص ۳-۷.
۲۳. رزم‌آرا، حسینعلی. *فرهنگ جغرافیایی ایران*، استان دوم (مازندران)، تهران، ستاد ارتش، ۱۳۲۹، ۳۰/۳.
۲۴. [استانداری مازندران]، راهنمای مازندران، [بی‌تا]، [۱۳۴۵]، ص ۳۱-۳۲؛ رزم‌آرا، حسینعلی، *جغرافیای نظامی ایران*، ص ۷۲-۷۳.
۲۵. ریاحی، علی‌اصغر. *سیمای جغرافیایی هزارگریب بهشهر*، ص ۱۲۶.
۲۶. [وزارت کشور]، *تقسیمات کشوری سال ۱۳۵۵*، ص ۱۴-۱۶.
۲۷. مکنزی، چارلز فرانسویس. *سفرنامه شمال*، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام‌مافی)، (تهران، نشر گستره، ۱۳۵۹)، ص ۱۰۴.
۲۸. ابن اسفندیار، بهارالدین محمد بن حسن. *تاریخ طبرستان*، به تصحیح عباس اقبال تهرانی، تهران، [۹]، ۱۳۲۰، ۴۱/۱.
۲۹. همان، ص ۵۶.
۳۰. ابوالفدا، اسماعیل بن علی. *تقریم البلدان*، ترجمه عبدالحمید آیتی، (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹)، ص ۴۹۸.
۳۱. بارتولد، و. *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور، (تهران، توس، ۱۳۷۲)، ص ۲۳۴.
۳۲. رابیتو، ه. ل. *مازندران و استراباد*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۲۱-۲۲.
۳۳. راوندی، قطب‌الدین. *راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق*، تصحیح محمد اقبال، (تهران، کتابفروشی علمی، ۱۳۳۲)، ص ۲۵، ۲۸، ۲۶۵، ۲۹۲، ۲۹۶.

۳۳. یاقوت حموی، معجم البلدان، (لیدن، ۱۹۶۷ م)، ۵۰۲/۲.
۳۵. ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ۵۶/۱.
۳۶. مستوفی، حمدالله، نزهت القلوب، (تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲)، ص ۱۹۳.
۳۷. مرعشی، سیدظهیرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به اهتمام یونهارد دارن، (تهران، نشر گستره، ۱۳۶۳)، ص ۲۱.
۳۸. بارتولد، و. تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ص ۲۴۹، نیز مهجوری، اسماعیل، تاریخ مازندران، ۱۶/۱.
۳۹. ملگونف، گریگوری، سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر، ترجمه و تکمیل مسعود گلزاری، (تهران، دانجو، ۱۳۶۳)، ص ۱۸.
۴۰. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (صنیع الدوله)، مرآة البلدان، ج ۲ و ۳، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸)، ص ۱۰۱۷.
۴۱. رابینو، ه. ل. مازندران و استراباد، ص ۲۲؛ نیز برای اطلاعات بیشتر ← حجازی کناری، سیدحسن، پژوهشی در زمینه نام‌های باستانی مازندران، (تهران، روشنگران، ۱۳۷۲)، ص ۱۵-۱۶؛ عمادی، اسدالله، بازخوانی تاریخ مازندران، (ساری، فرهنگ‌خانه مازندران، ۱۳۷۲)، ص ۷۳-۷۶ و نویان، مهرالزمان، نام مکان‌های جغرافیایی در بستر زمان، (تهران، انتشارات ما، ۱۳۷۴)، ص ۳۳۶، ۳۳۳.
۴۲. ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ۷۶/۱؛ ثعالبی، ابومنصور، لطائف المعارف، ترجمه علی‌اکبر شهابی خراسانی، (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸)، ص ۲۳۶.
۴۳. مهجوری، اسماعیل، تاریخ مازندران، ۴۴/۱.
۴۴. ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ۳۱/۱.
۴۵. نوروززاده چگینی، ناصر، «مازندران در دوره ساسانی»، باستان‌شناسی و تاریخ، (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵)، سال اول، شماره اول، ص ۴۳.
۴۶. ابن رسته، احمد بن عمر، اعلاق النفیسه، ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵)، ص ۱۷۶-۱۷۷.

۴۷. ابن اسفندیار. تاریخ طبرستان، ۱/۱۵۲.
۴۸. همان، ص ۱۵۳-۱۵۶.
۴۹. برای اطلاع از مکاتبه ← طبری، محمدبن جریر. تاریخ الرسل و الملوک، هلند، ۱۹۶۴ م، ۲۶۹۵/۵؛ ابن اثیر. الکامل فی التاریخ، بیروت، ۱۳۹۹-۱۴۰۲ قمری/۱۹۷۹-۱۹۸۲ میلادی، ۲۵/۳.
۵۰. طبری، محمدبن جریر. تاریخ الرسل و الملوک، ۲۶۳۶/۵-۲۸۳۷.
۵۱. همان‌جا؛ نیز ← ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۰۹/۳-۱۱۰؛ ابن خلدون، عبدالرحمن. تاریخ ابن خلدون، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ قمری/۱۹۹۲ میلادی، ۵۵۶/۲.
۵۲. بلاذری، احمد بن یحیی. فتوح البلدان، بخش مربوط به ایران، ترجمه آذرتاش آذرنوش، (تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶)، ص ۱۸۳، ۱۸۷.
۵۳. ابن اسفندیار. تاریخ طبرستان، ج ۱/۱۶۵.
۵۴. اشیپولر، برتولد. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴)، ۵۳/۱.
۵۵. بلاذری، احمد بن یحیی. فتوح البلدان، ص ۱۸۸.
۵۶. همان، ص ۱۸۹-۱۹۰؛ نیز، ابن اسفندیار. تاریخ طبرستان، ۲۱۹/۱.
۵۷. ابن اسفندیار. تاریخ طبرستان، ۱۷۸/۱-۱۷۹.
۵۸. بلاذری، احمد بن یحیی. فتوح البلدان، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ ابن اسفندیار. تاریخ طبرستان، ۲۴۳/۱-۲۴۴.
۵۹. ابن اسفندیار. تاریخ طبرستان، ۲۱۹/۱، ۲۴۵، ۲۵۹، ۲۶۶؛ نیز ← مهجوری، اسماعیل. تاریخ مازندران، ۱۰۷/۱-۱۰۸.
۶۰. ابن خردادبه. المسالک و الممالک، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران، [۹]، ۱۳۷۰، ص ۹۶.
۶۱. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب. کتاب البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵)، ص ۵۲-۵۳.
۶۲. ابن‌رسته، احمد بن عمر. اعلاق النفیسه، ص ۱۷۶-۱۷۷.

- ۶۳ اشپولر، پرتولد. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ۱/۱۷۳.
- ۶۴ [حدود العالم من المشرق الى المغرب، تألیف سال ۳۷۲ قمری]، به کوشش منوچهر ستوده، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۰)، ص ۱۳۳.
- ۶۵ ابن اسفندیار. تاریخ طبرستان، ۱/۲۱۷.
- ۶۶ اصطخری، ابواسحق ابراهیم. مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸)، ص ۱۶۸-۱۷۰.
- ۶۷ ابن حوقل، صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، (تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۳۵)، ص ۱۲۷.
- ۶۸ ابن اسفندیار. تاریخ طبرستان، ۱۷/۲-۱۸؛ مهجوری، اسماعیل. تاریخ مازندران، ۱/۱۳۰.
- ۶۹ همان، ص ۱۴۷.
- ۷۰ ابن اسفندیار. تاریخ طبرستان، ۱۷/۲-۱۸.
- ۷۱ همان، ص ۵۷.
- ۷۲ راوندی، محمد بن علی بن سلیمان. راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق، به تصحیح محمد اقبال، (تهران، کتاب فروشی علمی، ۱۳۲۲)، ص ۹۴، ۲۹۶، ۳۵۱، ۳۵۹.
- ۷۳ بیهقی، ظهیرالدین ابوالحسن زید. تاریخ بیوت، به کوشش قاری سید کلیم الله حسینی، (حیدرآباد، ۱۹۶۷ م)، ص ۲۹، ۴۹-۵۳.
- ۷۴ ابن اسفندیار. تاریخ طبرستان، ۱/۷۳-۷۴، ۷۶، ۸۳.
- ۷۵ همان، ص ۷۳.
- ۷۶ منهاج السراج. طبقات ناصری، به تصحیح عبدالحی حبیبی، (کابل، انجمن تاریخ افغانستان، ۱۳۴۲)، ص ۱۰۷-۱۰۹.
- ۷۷ یاقوت حموی. معجم البلدان، ۳/۵۰۲-۵۰۷.
- ۷۸ جوینی، عظاملک. تاریخ جهانگشای جوینی، به اهتمام عبدالوهاب قزوینی، (لیدن، بریل، ۱۳۳۴)، ۲/۲۲۲-۲۲۳.
- ۷۹ ملگونف، کریگوری. سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر، ص ۵۰؛ عزالدوله و ملگونف، سفرنامه ایران و روسیه (نواحی شمالی ایران)، به کوشش محمد گلبن - فرامرز

- طالبی، (تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ص ۱۱۷.
۸۰. مرعشی، سیدظهیرالدین. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۹۰، ۲۶۵.
۸۱. اشپولر، برتولد. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ۱/۳۳۳-۳۲۵؛ همو، ترجمه مریم میراحمدی، (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹)، ۷۳/۲، ۱۸۱، ۱۸۸-۲۱۹، ۲۲۹-۲۳۴.
۸۲. لسترنج، گای. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴)، ص ۲۹۳-۲۹۵.
۸۳. نوروززاده چگینی، ناصر. «مازندران در دوره ساسانی»، باستان‌شناسی و تاریخ، سال اول، شماره اول، ص ۴۶.
۸۴. نوروززاده چگینی، ناصر. «مازندران در دوره ساسانی»، باستان‌شناسی و تاریخ، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۶۷، ص ۱۸-۲۱.
۸۵. مرعشی، سیدظهیرالدین. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۲۶۶.
۸۶. ملگونف، گریگوری. ص ۵۰؛ عزالدوله و ملگونف، ص ۱۱۷.
۸۷. مستوفی، حمدالله. نزهت القلوب، ص ۱۳۷، ۱۵۹، ۱۹۸، ۲۰۰-۲۰۶.
۸۸. مرعشی، سیدظهیرالدین. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۳۴۳-۳۴۹.
۸۹. همان، ص ۲۵۱، ۲۵۹-۲۶۳.
۹۰. همان، ص ۴۰۲-۴۰۹.
۹۱. آملی، اولیاءالله. تاریخ رویان، به تصحیح منوچهر ستوده، (تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸)، ص ۱۹۹.
۹۲. مرعشی، سیدظهیرالدین. ص ۳۲۱-۳۲۵.
۹۳. همان، ص ۳۳۰-۳۳۰.
۹۴. همان، ص ۲۱۰، نیز، ملگونف، گریگوری. ص ۵۱.
۹۵. مرعشی، سیدظهیرالدین. ص ۵۰۸-۵۰۹.
۹۶. بارتولد، و. تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ص ۲۴۳.



۹۷. مرعشی، سیدظهیرالدین. ص ۲۰-۲۱، ۵۰.
۹۸. رایبونی، ه. ل. مازندران و استرآباد، ص ۲۱۴-۲۱۶.
۹۹. [دایرةالمعارف فارسی]، ذیل مازندران؛ ملگونف، گریگوری. ص ۵۵؛ عزالدوله و ملگونف، ص ۱۲۰؛ پارتولد، و. تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ص ۲۳۳.
۱۰۰. ترکمان، اسکندربیک. تاریخ عالم‌آرای عباسی، (تهران، امیرکبیر، گلشن، ۱۳۵۰)، ۵۱۸/۳-۵۱۹.
۱۰۱. هنری، جونس. زندگی نادرشاه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵)، ص ۱۶-۱۷؛ استرآبادی، میرزاهمدی‌خان. جهانگشای نادری، به‌اهتمام سیدعبدالله انوار، (تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۳۱)، ص ۶۶.
۱۰۲. مروی، محمدکاظم. عالم‌آرای نادری، به‌تصحیح محمدامین ریاحی، (تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۴)، ۸۸/۱، ۹۰-۹۲.
۱۰۳. استرآبادی، میرزاهمدی‌خان. ص ۸۶.
۱۰۴. هنری، جونس. ص ۲۲-۲۳، ۲۶؛ استرآبادی، میرزاهمدی‌خان. ص ۳۲۷-۳۲۸.
۱۰۵. شیرازی، ابن عبدالکریم علی‌رضا. تاریخ زندیه (جانشینان کریمخان زند)، (تهران، نشر گستره، ۱۳۶۵)، ص ۴۶-۴۷.
۱۰۶. شیبانی، میرزا ابراهیم (صدیق‌الممالک). منتخب‌التواریخ، (تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۶)، ص ۲۶، ۷۳، ۱۰۰.
۱۰۷. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. مرآة‌البلدان، ۱۱۵۲/۲.
۱۰۸. شیبانی، میرزا ابراهیم (صدیق‌الممالک). منتخب‌التواریخ، ص ۲۱۸، ۲۶۶، ۳۳۵، ۳۵۹، ۳۷۲.
۱۰۹. مکتزی، چارلز فرانسیس. سفرنامه شمال، ص ۳۳، ۵۱-۵۲، ۶۸-۸۹.
۱۱۰. هخان، ص ۱۰۴-۱۱۰، ۱۳۰-۱۳۱.
۱۱۱. ملگونف، گریگوری. ص ۱۳۳.
۱۱۲. شیروانی، زین‌العابدین. بستان‌السیاحه یا سیاحت‌نامه، (تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۲۷ قمری)، ص ۳۵۲-۳۵۳.

۱۱۲. [راهنمای مازندران]، استانداری مازندران، [بی‌جا]، [۱۳۴۵]، ص ۲۹، ۵۷، ۶۵، ۱۵۷؛ هدایت، مهدیقلی. *خاطرات و خطرات*، (تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۳)، ص ۳۷۱، ۳۱۰.
۱۱۳. [وزارت کشور]، اداره کل ثبت احوال، اسامی دهات کشور، (تهران، ۱۳۲۹)، ۱/۱۵۳؛ همان، تقسیمات کشوری ۱۳۵۵، ص ۱۴-۱۶.
۱۱۵. [سازمان برنامه و بودجه استان مازندران]، *آمارنامه استان مازندران*، ۱۳۷۶، ص ۳-۷، ۳-۷۳، ۵-۴۳.
۱۱۶. [دایرةالمعارف فارسی]، همان، ذیل «طبری».
۱۱۷. شایان، عباس. *مازندران*، ص ۲۵۸-۲۶۳.
۱۱۸. همان، ص ۲۶۴-۲۶۵، ۲۷۵-۲۸۳.
۱۱۹. همان، ص ۲۹۹-۳۲۴؛ ستوده، منوچهر. *از آستارا تا استرآباد*، (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶)، ۳/۱۸۳-۲۱۱.
۱۲۰. [سازمان برنامه و بودجه استان مازندران]، *آمارنامه استان مازندران*، ۱۳۷۶، ص ۳-۶.
۱۲۱. همان، ص ۲-۴، ۵-۶، ۷-۲، ۱۲-۲.

In the name of God

تبرستان
www.tabarestan.info

What do I know about Iran? / 16

Mazandaran

Vahid Reyahi



Cultural Research Bureau

What do I know
about Iran?/16

2nd. Print

تبرستان

www.tabarestan.info

Mazandaran

Vahid Reyahi

شابک : ۹۶۴-۵۷۹۹-۳۳-۳

ISBN : 964-5799-33-3

۱۲۶۵

Cultural Research
Bureau

۹۰۰۰